

هشدار امام!

قلم شیطان

((... به همه آقایان می گویم با هم جنگ نکنید. روزنامه هارا
پر نکنید از بدگویی از هم... انتقاد غیر انتقامجویی است.
انتقاد، انتقاد صحیح باید بشود. هر کس از هر کس می تواند
انتقاد صحیح بکند اما اگر قلم دستش گرفت انتقاد کند برای
انتقامجویی، این همان قلم شیطان است...))

صحیفه نور، جلد ۱۳ صفحه ۷۸



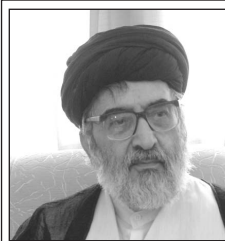
سال سی و یکم / شماره ۱۵
شماره مسلسل ۱۳۹۱
نیمه دوم آبان ماه ۱۳۸۹
۱۵۰ تومان



رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی:

نگاه مقارن به فلسفه های معاصر از نوآوری های
علامه طباطبایی در حکمت متعالیه است

صفحه ۴

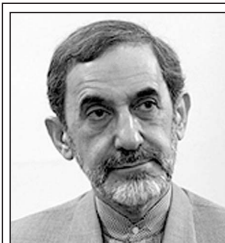


در گفتگویی با حجت الاسلام والمسلمین

استاد خسرو شاهي مطرح شد:

افق معنوی و روشن
یک فتوای تاریخی

صفحه ۶



حوزه علمیه؛

از کوفه تا قم

دکتر علی اکبر ولایتی

صفحه ۱۱



رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب قم:

محدودیتی برای
مطالعه ادیان در ایران
وجود ندارد

صفحه ۳



آیت الله تسخیری:

بیداری اسلامی خون
تازه ای است در
رگ های امت اسلامی

صفحه ۵



موانع و عوامل

تقریب

مذاهب اسلامی

آیت الله محمد آصف محسنی

صفحه ۷



دبیر ستاد حقوق بشر ایران:

اصلی ترین نقض
کنندگان حقوق بشر
آمریکا و اسرائیل هستند

صفحه ۸

آیت الله سید احمد خاتمی:

دروغ، تهمت و افترا در سیاست از ناحیه هر کسی که باشد گناه است

آن را تفسیر نکرده باشد؛ چراکه اسلام تسلیم بودن در برابر
ذات مقدس ربوبی است. خطیب نماز عید قربان با اشاره به
اینکه تکلیف محوری عرصه های مختلفی دارد، اظهار کرد:
تکلیف محوری در عرصه فردی این است که انسان واجبات
خدا را به جای آورد و محرمات را ترک کند. به تعبیر عارفان
سالک هیچ راهی برای قرب به خداوند درست تر از این نیست
و سیر و سلوک و عرفان از اینجا می گذرد.

وی همچنین با بیان اینکه تکلیف محوری در
عرصه های اجتماعی و سیاسی هم باید خود را به نمایش
بگذارد بر تکلیف محوری به خصوص در عرصه سیاسی
تاکید و خاطرنشان کرد: در عرصه سیاسی عملکرد مومنان
یک نوع تکلیف محوری است یعنی انسان با آیین نامه دین
پیش برود؛ سیاست علوی، سیاست دینی است. صراحت،
صداقت، وفاداری عمل به قول و تحصیل رضایت عمومی
از این جمله اند. خاتمی در همین زمینه دروغ، خلف قول،
رعایت نکردن حق مردم را در مقابل سیاست دینی خواند.

خطیب نماز عید قربان دروغ گفتن و تهمت زدن در
عرصه سیاسی را از جانب هر کس که باشد گناه بزرگی
دانست و گفت: از عجایب این است که کسانی تهمت به
نقیس ترین سرمایه های مردم که این نظام است زده و بعد
فریادهای وا اخلاق سرمی دهند.

وی با تاکید بر اینکه نمی توان بدون پرداخت هزینه،
دین را حفظ کرد، گفت: اگر کسی حاضر نشود برای دینش
هزینه کند، چیزی باقی نمی ماند گاهی این هزینه، گذشتن از
رفاه، شهوت، غضب، آبرو و گاهی گذشتن از مال و جان
است، یعنی بدون پرداختن هزینه، دین مداری ممکن نیست
و نمی توان آن را به دست آورد.

آیت الله سید احمد خاتمی عضو مجلس خبرگان
رهبری و خطیب نماز عید سعید قربان تهران با اشاره به
اینکه عید سعید قربان در حقیقت عید موفقیت دو عبد صالح
ذات مقدس ربوبی حضرت ابراهیم و اسماعیل در امتحان
بزرگ ایثار و وفاداری است، گفت: مناسک حج گام به
گامش یاد این پدر و فرزند فداکار است.

خطیب نماز عید قربان با بیان این که راز موفقیت این
پدر و پسر در سخت ترین امتحان الهی مشخص شد،
خاطر نشان کرد: سخت ترین امتحان الهی شعار نیست
چراکه حضرت ابراهیم فرزندی که در غربت بزرگ شده بود
را پس از ۱۰ الی ۱۲ سال می بیند و محبت او به دلش می آید،
اما به او فرمان میرسد که باید او را به مسلخ ببری و ذبح کنی.
او می گوید چشم. به فرزند تربیت شده اش نیز می گوید که
دستور رسیده ذبحت کنم. فرزندش می گوید بابا آنچه
دستور خداست انجام بده و خواهی دید که من از صابرانم.

وی افزود: سخن این است که در این امتحان بزرگ الهی
این پدر و پسر موفق شدند و راز این توفیق تنها یک کلمه
است، تسلیم در برابر ذات مقدس ربوبی. حضرت اسماعیل به
محتوای تکلیف نمی نگرد بلکه به تکلیف توجه دارد؛ چراکه
این دستور خداوند است. زیربنای این تصمیم یک انتخاب
کاملاً آگاهانه است خدایی که خالق هستی و انسان است و او
نیاز هایش را می شناسد و به او مهر می ورزد و نسخه سعادت
انسان را می نویسد و از طریق انبیا آن را ابلاغ می کند بر انجام
این تکلیف دستور داده است. پس تسلیم در برابر خدا بودن
روح دین است و تدبیر با همین تفسیر می شود.

خاتمی ادامه داد: حضرت علی (ع) می فرماید به گونه ای
اسلام را برایتان تفسیر می کنم که کسی قبل و بعد من این گونه

انتقاد حجت الاسلام قرائتی از تعطیلات کشور

رئیس ستاد اقامه نماز کشور با بیان اینکه تعطیلات باید در کشور کاهش یابد، گفت:
با این همه تعطیلات در کشور، نمی شود باسواد شد.

حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی با بیان اینکه حذف تعطیلات در کشور از
رموز دیگر کسب توفیقات است، اظهار داشت: تفسیر نمونه بیش از ۶۰ بار و به چندین
زبان به چاپ رسیده است که همه این مطالب در زمانی که دروس حوزه تعطیل بوده به
نگارش درآمده است که این امر نشان می دهد که از فرصت ها باید بهترین استفاده را برد.

حجت الاسلام والمسلمین قرائتی با بیان اینکه باید تعطیلات در کشور کاهش یابد،
ابراز داشت: با این همه تعطیلات، جامعه نمی تواند با سواد شود. رئیس ستاد اقامه نماز
کشور اضافه کرد: امروز روحانیت باید به عنوان رهبر دانشجویان مطالعات زیادی داشته
باشد و سطح سواد دینی او باید از دبیران تعلیمات دینی و اساتید دانشگاه بالاتر باشد.

وی در ادامه با بیان اینکه قرآن رمز توفیق را اخلاص می داند، افزود: حضرت ابراهیم
چند ساعت از حضرت اسماعیل دست کشید و دل کند اما چندین هزار سال است که
مسلمانان بعد از این واقعه عید می گیرند و این نتیجه اخلاص در عمل است.

رئیس ستاد اقامه نماز کشور با بیان اینکه برای کسب نیت خالص باید از خداوند
استمداد طلبید، افزود: با حوزه و دانشگاه انسان حریف نفس خود نمی شود.

قرائتی افزود: باید به کارها و اهداف خود ایمان داشته باشیم که در این زمان هر
چقدر فساد در جامعه بیشتر شود قدر روحانیت نیز بیشتر مشخص می شود.

وی در ادامه عنوان کرد: نباید از دیگران کینه به دل داشت که در این صورت در دل
مریض چیزی از معارف الهی نمی گنجد.

حجت الاسلام قرائتی گفت: در روایتی از معصوم آمده است که هر شخص که به
مسجد برود به هشت کمال خواهد رسید که یکی از آنها علم جدید است و این بدان معنا
است که باید جوانان در مساجد از ائمه جماعات مطالب جدیدی بیاموزند.

وی افزود: هدیه به اولیاء خدا باعث برکات خواهد شد و در این صورت دعای دیگران
در حق انسان مستجاب می شود. وی با بیان اینکه ائمه جماعات باید قرآن محور باشند،
ابراز داشت: ائمه جماعات باید یک دور تفسیر قرآن را مباحثه کنند و ۶۰ درصد مطالب
سخنرانی هایشان نیز باید از قرآن باشد. رئیس ستاد اقامه نماز کشور با بیان اینکه نکات
فرآوانی در قرآن و نهج البلاغه وجود دارد که باید کشف شود ابراز داشت: تمام سخنرانی ها
باید حاوی مطالبی باشد که یا واجب یا مستحب و یا نیاز فرد و یا نیاز اجتماع باشد.

حدیث روزگار!

یادی و خاطره ای از دو عالم بزرگوار

طولانی شدن عمر انسان، بطور طبیعی همراه با نشستن در غم و اندوه در گذشت اعضا خاندان و اساتید و دوستان است... در ماه گذشته دو آشنای دیرین، که یکی در تبریز، و از تحصیل مقدمات تا تحصیل لمعتین در قم، استاد من بود، و دیگری باز در تبریز که هم مباحثه سیوطی و جامی و در قم، مدتی هم مباحثه ای در شرح لمعه بود.

... آیت الله آقامیرزا کریم ملائی تبریزی، در دورانی که من نوجوان ده - دوازده ساله بودم، شاگرد پدرم، آیت الله حاج سید مرتضی خسروشاهی بود که در اطاق بزرگ بیرونی منزل، در خیابان تربیت تبریز، همه روزه به تدریس فقه و اصول اشتغال داشت.

در آن دوران، من هر روز صبح زود درب منزل بیرونی را برای شاگردان پدر، باز می کردم و هیچوقت یادم نمی رود که آقامیرزا کریم نخستین تلمیذی بود که از در وارد می شد و حتی در ایام زمستان که برف تبریز، همه راه ها را، در ساعات اولیه روز بر همگان می بست، نخستین کسی که دل کوه های برف های کوچه ها را می شکافت و به سوی منزل ما می آمد و حلقه آهنی درب بیرونی را به صدا در می آورد، و من برای باز کردن آن می رفتم، آقا میرزا کریم بود که علیرغم مشکلات جسمانی و نقص عضو در پا و دست، پیش از بقیه طلاب و فضلا که در درس مرحوم آیت الله والد شرکت می کردند، به مقصد می رسید و به اطاق سردی که تازه با بخاری هیزمی و یا بخاری "خاک اره" - که از ذرات ریز چوب های اره شده روشن و گرم می شد - می خواست گرم بشود، وارد می گردید...

کوچه ما - کوچه کرباسی در خیابان تربیت تبریز - به دلیل اینکه معبر باریکی بود و نوعاً هم اهل محل برف های پشت بام های خود را به آن می ریختند، در واقع به علت تراکم و ارتفاع زیاد برف ها، بسته می شد و گاهی من همراه بچه های محل، آن برف ها را متراکم تر می ساختیم و سپس در وسط کوچه، اطاقک هایی از برف می ساختیم که گاهی به علت سرمای شدید، چندین روز و یا یکی دو هفته پابر جامی ماندند...! اما شکافنده دل این کوه های بلند برف در کوچه، گام های استوار آقامیرزا کریم بود که با کفش های پوتین مانند خاص خود - که به علت نقص عضو می پوشید - بر دل برف ها می زد و خود را به مقصد می رساند و در واقع راه را برای دیگران هم باز می کرد و هموار می ساخت... وقتی در همان سنین نوجوانی، من روی علاقه شخصی، - و نه به پیشنهاد کسی - خواستم که وارد عالم طلبگی بشوم و جامع المقدمات را شروع کنم، مرحوم پدرم گفت: بهتر است که قبل از رفتن به مدرسه طالبیه دروس مقدماتی را در منزل، و در محضر آقامیرزا کریم تبریزی که زودتر از دیگران در منزل ما حضور می یافت، آغاز کنم و چنین نیز شد... و من از صرف میر تا صمدیه و بعد بخشی از سیوطی را در نزد آن بزرگوار تلمذ کردم...

بعدها که ایشان - در - ۱۳۳۰ رهسپار قم شد، مجبور شدم که به مدرسه طالبیه بروم و "جامی" را در نزد استادی دیگر یاد بگیرم و حاشیه ملا عبدالله در منطق را در محضر آقا میرزا علی اصغر باغمیشه ای و بخشی از شرح مغنی را هم نزد مرحوم آقا میرزا علی باغمیشه ای و سپس آقا میرزا علی اکبر نحوی معروف، تلمذ نمودم.

... اتفاقاً در همان دوران ها، هم مباحثه ای من

مرحوم آیت الله آقا میرزا علی نوری بود که جامی و سپس بخشی از مغنی را با او و در مدرسه طالبیه، مسجد "خاله اوغلو" مباحثه می کردیم... در سال ۱۳۳۲ که به قم آمدم، آقا میرزا کریم و آقا میرزا علی نوری هر دو در قم، و در مدرسه حجتیه سکونت داشتند... به لطف مرحوم آیت الله آقا شیخ اسحق آستارانی، مدیر مسئول مدرسه حجتیه، اطاقی نیز نصیب حقیر شد و طلبه مظلومی به نام آقا شیخ حیدر، به پیشنهاد آیت الله آقای حاج میرزا یدالله دوزدوزانی (حفظه الله) هم حجره ای من گردید... معالم و جلد اول و دوم شرح لمعه را باز، بطور خصوصی - و یا با حضور چند طلبه دیگر -، در نزد آقا میرزا کریم فراگرفتم و تا مدتی، باز هم مباحثه ای ام، همچنان آقامیرزا علی نوری بود...

آقا میرزا کریم ملائی و آقامیرزا علی نوری، هر دو انسان های پاک و وارسته و آراسته به علم و ادب و اخلاق و تعبد و معرفت و تقوی بودند... هیچگونه داعیه ای، در هیچ زمینه ای از این دو بزرگوار ندیدم و نشنیدم و جز تحصیل و تدریس و تحقیق و کسب علم و نشر فضیلت و معرفت، هدف دیگری را دنبال نکردند و ظاهراً از مال دنیا هم چیزی از خود به یادگار نگذاشتند و زندگی ساده و بی آلایش آنان، با قناعت و مناعت و عزت و کرامت سپری شد چرا که قرار نبود آبروی فقر و قناعت را در نزد کسی ببرند! که:

ما آبروی فقر و قناعت نمی بریم بر پادشه بگو که روزی مقدر است... تا اینکه هر دو دو ماه گذشته، به لقاء حق پیوستند و از قید جهان ماده فارغ و آسوده شدند...

رحمت و مغفرت خداوند سبحان بر هر دو بزرگوار باد که در زندگی طلبگی من، رهنمودهای عملی آنان، در چگونه زیستن و پذیرش سختی های زندگی طلبگی درس هایی برای من بود و من هم در تحصیل علم و اخلاق و هم در تحمل و پذیرا شدن بر سختی ها و مشکلات بی حساب دوران طلبگی، خود را مدیون آن دو بزرگوار می دانم.

خداوند هر دو را به فرموده خود: فادخلوا فی عبادی و ادخلوا جنتی، در جنت ویژه و در کنار عباد خاص خود جای دهد و عاقبت ما را هم در این دنیای پر رنگ و نیرنگ بی ثمر که چیزی "جز لُهو و لعب، زینت و تفاخر" - و یا بقول امام خمینی: "عدم اندرنامه" - نبود، ختم بخیر فرماید: انه سمیع مجیب.

سید هادی خسروشاهی

۸۹/۸/۱۰ - قم

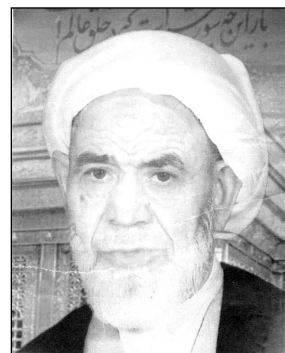
اینک شرح حال کوتاهی که جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای شیخ محمد الوان ساز خوئی حفظه الله، به درخواست حقیر درباره آن دو بزرگوار نوشته است، در اختیار علاقمندان و خوانندگان بَعثت قرار گیرد:

استاد بی مثال حوزه

هنوز چند ماهی از رحلت ادیب فرزانه

مرحوم میرزا احمد یالقوز آغاجی معروف به "نحوی" نگذشته بود که جامعه علمی حوزه بارحلت اسف بار استاد ممتاز حوزه علمیه قم حضرت آیت الله حاج میرزا عبدالکریم ملایی تبریزی روبرو گردید. ضمن عرض تسلیت به خانواده محترم معظم له گوشه هایی از زندگی نامه ایشان را ورق می زنیم و به روح بلند ایشان درود می فرستیم.

آیت الله حاج میرزا عبد الکریم ملایی پور



قرجه داغی تبریزی فرزند کربلایی عباسعلی فرزند عبد الکریم در سال ۱۳۰۸ ش مطابق با ۱۳۴۸ ق در شهرستان تبریز دیده به جهان گشود. در ۷ سالگی تحصیلات خویش را آغاز نمود و ادبیات فارسی را در محضر پدرش آموخت و سپس وارد حوزه علمیه تبریز گردید و در مدرسه طالبیه و حسن پادشاه سکنی نمود و جامع المقدمات و حاشیه ملا عبدالله را نزد حاج میرزا علی گوگانی، سیوطی، جامی و معالم را نزد حاج میرزا محمود انصاری، مغنی را نزد آیت الله حاج میرزا ولی الله اشراقی سرابی و مطول را از علامه شیخ علی اکبر نحوی فراگرفت و آنگاه با اشتیاق فراوان شرح تجرید الاعتقاد را از آیت الله حاج سید محمد بادکوبه ای، شرح لمعه، شرح منظومه (قسمت منطق) و رسائل را نزد مرحوم آیت الله حاج سید مرتضی خسروشاهی و آیت الله سید کاظم شریعتمداری و مکاسب محرمة را نزد آیت الله حاج شیخ حسین شنب غازی به انجام رسانید و در حالی که ۲۲ سال داشت در سال ۱۳۳۰ ش به شهر قم مهاجرت نمود و به مدت ۱۲ سال در مدرسه حجتیه اقامت گزید.

وی در حوزه علمیه قم به تکمیل آموخته های خود پرداخت و باقی مانده شرح منظومه (قسمت حکمت) را نزد علامه سید محمد حسین طباطبایی و قسمت بیع و خیارات مکاسب را از آیت الله حاج میرزا محمد مجاهدی و آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی و کفایه الاصول را نزد آیت الله سید محمد باقر سلطانی طباطبایی و آیت الله مجاهدی کسب فیض نمود و با دوستان فاضلش آیت الله حاج میرزا علی الهامی کلوانقی، حاج میرزا اسماعیل سرابی و حاج میرزا حسین قزوینی به مباحثه نشست و سپس در جلسات درس خارج فقه و اصول آیت الله حاج آقا حسین بروجرودی، امام خمینی، آیت الله شیخ عباسعلی شاهرودی، آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی و آیت الله سید کاظم شریعتمداری حاضر شد و در سایه تلاش و کوشش وافی به دریافت اجازه استنباط و اجتهاد احکام الهی از دو استاد اخیر و اجازه امور حسیه از آیت الله مجاهدی نائل آمد و خودش نیز به برخی از روحانیون اجازه امور حسیه داده است.

آثار علمی و پژوهشی وی بدین قرار است:

- ۱- تقریرات بحث خمس آیت الله بروجرودی (عربی، قم، ۱۳۶۶ ش)؛
 - ۲- تقریرات بحث های صلات، حج، منجزات مریض، قضاء، طهارت آیت الله بروجرودی (عربی، خطی)؛
 - ۳- تقریرات یک دوره اصول و مطهرات آیت الله شاهرودی (عربی، خطی)؛
 - ۴- تقریرات اصول (عربی، خطی)؛
 - ۵- نثر الثالی فی شرح نظم الثالی (فارسی، قم، ۱۳۶۵ ش)؛
 - ۶- صیغ نکاح و طلاق (فارسی، قم، ۱۳۶۰ ش)؛
 - ۷- موضح رموز الرسائل در شرح بحث قطع رسائل (عربی، خطی).
- معظم له فقیه شاکر، نیکو روش، پارسا، پرتلاش، خوش برخورد و عالم عامل بود. وی از اساتید مسلم حوزه علمیه قم بوده و بیش از ۶۰ سال به تدریس ادبیات عربی، معالم، منطق، تجوید، لمعه، رسائل، مکاسب، کفایه الاصول و خارج فقه اشتغال ورزید.
- ایشان نمونه بارز یک بنده شاکر و سپاسگزار بود و با وجود مشکلات جسمی هیچ وقت لب به

شکوه و شکایت نگشود و در همه سپاس خدا را دل داشت.

سرانجام این عالم زاهد و وارسته پس از یک دوره نقاهت کوتاه مدت در روز دوشنبه ۱۹ رمضان المبارک ۱۴۳۱ ق برابر با ۸ شهریور ماه ۱۳۸۹ ش در شهرستان قم بدرود حیات گفت و پیکر پاکش پس از انجام مراسم مذهبی و اقامه نماز میت به امامت آیت الله حاج میرزا یدالله دوزدوزانی در جوار امامزاده علی بن جعفر به خاک سپرده شد. به منظور تجلیل از مقام علم و فقاقت و خدمات علمی آن عزیز سفر کرده مراسم مختلفی از سوی علمای عظام و بیت معظم له منعقد گردید و از خدمات علمی ایشان تجلیل به عمل آمد.

عالم و محقق گمنام حوزه!

در ماه جمادی الثانی ۱۴۳۱ ق سه تن از فقهای آذربایجانی مقیم حوزه علمیه قم یعنی آیت الله سید محمد مفتی الشیعه، آیت الله سید ابوالقاسم پارچینی و آیت الله حاج میرزا علی نوری دارفانی را وداع گفتند و دیدار حضرت دوست شتاتند. در زیر به فرازهایی از زندگی پربار آیت الله حاج میرزا علی نوری اشاره می گردد:

آیت الله حاج میرزا علی نوری تبریزی فرزند حاج لطف الله در سال ۱۳۱۱ ش برابر با ۱۳۵۱ ق در روستای "طرزم" از توابع شهرستان اهر، هشت فرسخی تبریز دیده به جهان گشود. روحوانی قرآن را در در همان روستا، نزد میرزا رضا ذاکری آموخت و در سال ۱۳۲۲ ش به تبریز آمد و در مکتب خانه میرزا فرج الله کتب متداوله را یاد گرفت و سپس در دبیرستان فیوضات تا کلاس ششم ادامه تحصیل داد.

در سال ۱۳۲۸ ش وارد مدرسه طالبیه گردید و کلیله و دمنه و قسمتی از مقدمات علوم اسلامی را نزد حاج میرزا علی نموری، انموذج را نزد آقای مددی، سیوطی را نزد میرزا محمد کاشفی، میرزا حسین ایوقی و میرزا رسول شاهی کلیبری، مغنی را نزد میرزا علی اکبر نحوی و میرزا آقا باغمیشه ای و جامی را از میرزا احمد آرباتانی فراگرفت و سپس دروس شرح تجرید الاعتقاد را نزد آیت الله سید محمد بادکوبه ای، جوهر النضید را نزد مرحوم شیخ عمیسه، مطول را در محضر آیت الله میرزا عبدالله مجتهدی، معالم را از حاج میرزا ابوالفضل صدیقی سرابی و سید محمد علی خلخالی، قوانین الاصول را در خدمت آیت الله سید کاظم طباطبایی مشهور به مفید آقا و بخش بیشتر شرح لمعه را نزد آیت الله میرزا جواد آقا سلطان القرایی یاد گرفت و پس از پنج سال سکونت در آن حوزه در ۱۶ شهریور ماه ۱۳۳۳ ش به اتفاق آیت الله سید یوسف مدنی تبریزی تبریز را به مقصد شهر مقدس قم ترک گفت و در مدرسه حجتیه سکنی نمود.

وی در حوزه مقدسه قم قسمت باقیمانده لمعه را نزد آیت الله شیخ محمد حقی سرابی، رسائل را در محضر آیت الله میرزا ابوالفضل علمایی و آیت الله شیخ ابوطالب تجلیل تبریزی، مکاسب و کفایه الاصول را در خدمت آیت الله میرزا باقر مرندی و آیت الله شیخ حسینعلی منتظری و آیت الله میرزا محمد مجاهدی تبریزی تلمذ نمود و سپس در حدود سال ۱۳۳۶ ش شروع به تحصیل درس خارج نمود و در این زمینه از درس های خارج فقه و اصول آیت الله حاج آقا حسین بروجرودی، امام خمینی، آیت الله سید

کاظم شریعتمداری ، آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی ، آیت الله شیخ مرتضی حائری یزدی ، آیت الله میرزا هاشم آملی ، آیت الله محسنی اراکی (فرید) و آیت الله شیخ محمد تقی بهجت بهره کافی برد و از حضرات آیات عظام سید محسن حکیم ، سید کاظم شریعتمداری ، سید محمد هادی میلانی ، سید موسی شبیری زنجانی و شیخ محمد تقی بهجت اجازه امور حبسیه و نقل اخبار و احادیث دریافت داشت.

از هم بحث های وی که در سطوح مختلف حوزوی به مباحثه علمی پرداختند می توان به علماء عظام آقایان: میرزا علی نقی روحانی خویی، دکتر محمود عین الدینی ، سید هادی خسروشاهی، میرزا فتح الله شفاعی ، ملا غلامرضا حسنی (امام جمعه محترم ارومیه)، سید محمد شاهرخی ، سید ابوالفضل موسوی تبریزی و میرزا یدالله دوزدوزانی اشاره نمود .

وی علاوه بر ایام تبلیغ، به طور مستمر جهت تبلیغ و ارشاد مردم به زادگاه خود و روستاهای منطقه کلپیر و برخی روستاهای اطراف میانه و روستای خونان از توابع بوئین زهرا رفت و آمد داشت به طوری که در این مناطق منشأ آثار خیری از قبیل احداث حمام ، سرویس بهداشتی ، مسجد و جاده کشتی گردید و هنوز آثار فرهنگی و عمرانی آن مرحوم در آن مناطق به چشم می خورد، به گونه ای که در منطقه کلپیر حدود ۷۶ نفر روحانی و مبلغ به مدیریت وی تحصیل یا فعالیت می کردند .

برخی از آثار تحقیقی و تصحیحی وی چنین است:

۱- تقریرات بحث عدول از جماعت آیت الله بروجرودی (خطی)؛

۲- تقریرات درس های فقه (خطی)؛

۳- تقریرات اصول امام خمینی (خطی)؛

۴- تصحیح مصباح الفقه، ۲۰ جلد، تألیف حاج آقا رضا همدانی؛

۵- لست الاسرار فی شرح الاستبصار تألیف سید نعمت الله جزایری؛

۶- ریاض الابرار ۳ جلد، تألیف سید نعمت الله جزایری؛

۷- رأس الحسین (ع)؛

۸- تصحیح آثار مفتی عباس؛

۹- تصحیح خصایص الحسینیة تألیف شیخ جعفر شوشتری؛

۱۰- تصحیح شرح وسایل الشیعه تألیف شیخ یوسف بن علی بحرانی؛

۱۱- تصحیح ذکری تألیف شهید اوّل.

معظم له از چهره های گمنام و ممتاز علمی در حوزه علمیه قم بود و در بین فضلا و علمای حوزه مقدسه قم موصوف به علم ، فضل و تقوا بوده است. در اندک زمانی که بنده توفیق آشنایی با ایشان را پیدا کردم وی را عالمی متین، خوش برخورد، باوفا، خوش فکر و متدین یافتم. گاهی ایشان را در خیابان ارم می دیدم که ذکر بر لب دارد و آرام آرام طی مسیر می کند. به محض اینکه متوجه شخص می شد با روی گشاده سلام می کرد و احوالپرسی می نمود. روزی در همان مسیر خواستم کمکش کنم تا زودتر به مقصد برسد، اجازه نداد بنده هر چند اصرار کردم باز اجازه نداد و فرمود: هر کسی مسئول بار خودش است.

ایشان بیش از ۵۰ سال در حوزه علمیه قم حضور فعال داشت و در طول این مدت دارد با تحقیق و تصحیح متون کهن و تدریس کتاب های سیوطی ، مغنی ، شرح لمعه ، مطول ، مختصر ، رسائل و مکاسب محرمه و تربیت شاگردان مستعد مشغول بوده است.

عالم ربانی آیت الله حاج میرزا نوری در

عصر روز سه شنبه ۴ خرداد ماه ۱۳۸۹ ش برابر با ۱۱ جمادی الثانی ۱۴۳۱ ق در شهر مقدس قم در اثر سکتۀ قلبی جان به جان آفرین تسلیم نمود و به دیدار حضرت حق شتافت.

پیکر پاک ایشان پس از تشییع شایسته از حسینیه شهدا به سمت حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) و اقامۀ نماز میت به امامت دوست و رفیق دیرینش آیت الله حاج میرزا یدالله دوزدوزانی در باغ بهشت به خاک سپرده شد. مراسم ترحیم و تکریم آن بزرگ مرد از طرف بیت آن مرحوم و دفتر آیت الله دوزدوزانی منعقد گردید و از مقام علمی ایشان تجلیل به عمل آمد.

استاد عبدالرحیم عقیقی بخشایشی در پی درگذشت وی می نویسد:

... عالم برجسته و فقیه متواضع و انسان وارسته ای از سلالۀ بزرگان علم و ادب اهر و ارسباران در قرارگاه ابدی جای گرفت. فقدان چنین عالمی فرزانه و محقق

متین و استوار در روش و منش که در کنار فعالیت های علمی برجسته، دارای اخلاق استوار و شجاعت و صداقت کافی داشت ضایعه ای بس بزرگ و فقدان بسیار اسف انگیز است برای جوامع علمی و حوزه های شیعه به شمار می رود. همواره گام های استوار او را همراه با انجام ذکر و ورد در مسیر خیابان صفائیه در رفت و برگشت می دیدم که با کمال متانت و ادب گام می سپرد و نسبت به ابراز احساسات دوستان و علاقمندان، با کمال ادب و تواضع پاسخ می دهد.



او سرشار از معلومات اسلامی بود و در دل خود خیلی از مسائل را داشت ولی نمی توانست بر حسب شرایط زمانی و مکانی به زبان آورد یا نمی خواست مستوفی و کامل بیان دارد ولی در درون خود مسائل را کاملاً تجزیه و تحلیل می نمود و به همگان ابراز نمی داشت وقتی اهلی پیدا می نمود بازگو می کرد. انسان بسیار کتوم و رازدار بود او همواره با دوستان قدیمی خود در رفت و آمد و معاشرت کامل بود و در دوستی و رفاقت بسیار وفادار بود. او اهل تبلیغ و مطرح شدن نبود بلکه همواره با دوستان نزدیک خود مکالمه و مشافهه و تبادل معلومات به سر می برد.

با توجه به وضع زندگی ساده ای که داشت چون در زندگی اهل ابراز نیاز پیش این وان نبود در ایام حیات خویش موفق به چاپ آثار خود نگردید و تنها یک اثر علمی ارزشمندی در ۲۰ مجلد به نام تحقیق و بررسی موسوعۀ بزرگ مصباح

الفقه آیت الله حاج آقا رضا همدانی که یک دوره فقه استدلالی و مبسوطی پیرامون کتاب طهارت و صلاۀ می باشد. این اثر گرانسنگ را با چند تن از فضلا به تحقیق و بررسی و استخراج منابع و مآخذ نشست که دو جلد آن توسط داراحیاء التراث الاسلامی وابسته به آل البیت: به چاپ رسیده است و بقیه تا جلد چهاردهم توسط مؤسسه دیگری به نام مؤسسه جعفری به چاپ رسیده است و الباقی تا جلد بیستم ان شاء الله به زودی به چاپ خواهد رسید.

استاد فلسفه و عرفان اسلامی دانشگاه شیراز:

علامه طباطبایی بزرگترین مفسر شیعه است

است که علامه از ابعاد مختلفی چون فلسفه، عرفان، کلام و حدیث وارد تفسیر شده و نکته جالب توجه اینکه علامه مباحث را با یکدیگر خلط نمی کند وقتی وارد بحث فلسفی می شود یک فیلسوف محض است و وقتی وارد بحثهای عرفانی می شود یک عارف تمام است و وقتی بحث حدیثی می کند یک محدث کامل است و حق هر بحثی را به خوبی ادا می کند.

وی اضافه کرد: نکته جالب توجه درباره تفسیر المیزان تفسیر قرآن به قرآن است. اینکه کسی کل قرآن را مورد تعمق قرار داده و آیات قرآن را با یکدیگر تفسیر کند و از این تعمق جوهره های فراوانی به دست آورد که بنا بر تصحیح خود این نوع تفسیر آیه به آیه و قرآن به قرآن را از استاد بزرگ عرفان خود آیت الله سید علی قاضی آموخته و در این تفسیر به منصف ظهور نهاده اند.

را به خوبی در آثار خود بیان کرد، در فلسفه هایی چون فلسفه ملاصدرا زمینه هایی بوده اما بسط و گسترش آن به دست علامه طباطبایی صورت گرفت.

وی با اشاره به اینکه علامه درس و بحث خود را به حوزه محدود نکرد و مرزی از حوزه به دانشگاه زده و فضایی دانشگاهی را از چشمه اندیشه بلند خود سیراب کرد و توانست اندیشه فلسفی شیعه را در دنیا مطرح کند. از زمان کربن به بعد فلسفه شیعه را در دایرة المعارفهای غربی و متون غربی به وضوح می یابیم تا پیش از آن چندان نشانی از فلسفه شیعه در میان غربی ها مشاهده نمی شد و هانری کربن تحت تأثیر علامه طباطبایی فلسفه شیعه را معرفی کرد.

حجت الاسلام کاکایی گفت: تفسیرالمیزان تفسیر بسیار دقیقی است که ویژگی مهم آن این

اندیشه و افکار نسل جوان آن زمان به حساب می آمد و توانست مشکلات بسیار زیاد فکری را با لسان و زبان حکمت متعالیه حل کند، یعنی با زبان بسیار روشن و گویا همه مسائل حکمت متعالیه را بیان کرده است.

دکتر کاکایی تأکید کرد: در بحث معرفت شناسی ادراک و کثرت در ادراک از نوآوری های مرحوم علامه طباطبایی است که حتی در فلسفه ملاصدرا و پیروان وی نیز چندان نشانی از آن مشاهده نمی کنیم و علامه با قدرت فکری خود توانست آن را عرضه کند تا مقابل مکاتب فلسفی غرب که بیشتر روی اپیستمولوژی و شناخت شناسی تأکید می کنند پاسخ قوی و درخور ی باشد.

استاد فلسفه و عرفان اسلامی یادآور شد: علامه طباطبایی که به حق فیلسوف فطرت نام گرفته بحث فطرت و مسائل روان شناسی فلسفی

استاد فلسفه و عرفان اسلامی دانشگاه شیراز با اشاره به اینکه علامه طباطبایی با بیان روشن و زبان حکمت متعالیه پاسخ بسیاری از مشکلات فکری زمانه خود را ارائه کرد، علامه را بزرگترین فیلسوف و مفسر شیعه معاصر دانست .حجت الاسلام دکتر قاسم کاکایی استاد فلسفه و عرفان اسلامی دانشگاه شیراز درباره ویژگیهای علامه طباطبایی اظهار داشت: مرحوم علامه طباطبایی مطرح ترین و بزرگترین فیلسوف و مفسر شیعه معاصر است و در زمینه کارهای وی نکته قابل اهمیت این است که علامه طباطبایی حکمت متعالیه را با زبان عصر ما برای شیفتگان فلسفه بیان کرد.

وی افزود: کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم علامه طباطبایی در عصری منتشر شد که مکتبهای رقیب فلسفی و مادی بحث بزرگی برای

رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب قم:

محدودیتی برای مطالعه ادیان در ایران وجود ندارد

که با این گستردگی تمام مذاهب دنیا را تدریس و مورد مطالعه قرار دهند.

رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب در خصوص کسرت ادیان که مورد تأکید رئیس سابق کلیسای پروتستان آلمانی نیز بود اظهار داشت: کسرت ادیان در قرآن کریم به رسمیت شناخته شده است و در ایران عملاً احترام به سایر ادیان وجود دارد.

آقای نواب ادامه داد: در ایران بیشترین اسم گذاری بروی دختران بعد از نام فاطمه، اسم مریم است که نمونه ای از احترام مسلمانان به مسیحیت است.

وی اظهار داشت: مسلمانان ایران از کودکی برای

پیامبران الهی احترام قائل هستند و هیچ زمان یک مسلمان به مسلمان دیگر و یا پیامبر الهی توهین نمی کند. رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب قم اضافه کرد: در رابطه با کسرت ادیان مشکلی در ذهنمان وجود ندارد که بخواهیم راجع به آن صحبت کنیم و از این نظر مشکلی برای ما وجود ندارد.

وی بیان داشت: در قلب اروپا جنگ بالکان در بوسنی به وجود آمد که تمام مساجد مسلمانان را تخریب کردند ولی در همان جنگ حتی یک تیر به سوی هیچ کلیسای از جانب مسلمان شلیک نشد و این ادب اسلامی است که ما براساس آن تربیت شدیم.

رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب قم با بیان اینکه حوزه علمیه های ایران از گذشته تا کنون آزاد اندیشی کامل داشته اند، تصریح کرد: دانشجویان و طلاب به آزاد اندیشی عادت کرده اند و در تمام حوزه های علمیه کشور آزاد اندیشی کامل وجود دارد.

حجت الاسلام سید ابوالحسن نواب در دیدار با پروفیسور کافمن، رئیس بنیاد فرهنگی نیوهایدنبرگ و وفگانگ هوپر، رئیس سابق کلیسای پروتستان کشور آلمان، با اشاره به آزاد اندیشی در ایران بخصوص در دانشگاه ادیان و



نگاه مقارن به فلسفه‌های معاصر از نوآوری‌های علامه طباطبایی در حکمت متعالیه است

رییس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی گفت: شاخص اصلی و فعال در نگاه علامه طباطبایی به جامعه، نهاد نگری است.

بیست و چهارم آبان سالروز رحلت علامه طباطبایی است که در همه محافل علمی و فرهنگی به عنوان مفسری بزرگ و فیلسوف و حکیمی الهی مطرح است.

درخشش او در صحنه تفسیر و عرضه حکمت، گرچه سایر ابعاد علمی آن بزرگ را تحت الشعاع قرار داده است، ولی جایگاه علمی او در سایر رشته‌های معارف اسلامی، چون فقه، اصول، رجال، حدیث و علوم‌ی چون جبر و مقابله و هندسه و حساب استدلالی و هیئت قدیم و جدید و فنون ادب فارسی و مباحث تاریخی و اجتماعی و مبانی و نظریات مکاتب مادی، بسیار چشم گیر است.

این ظرفیت و درک مقتضیات زمان و نیازهای محیط علمی و اجتماعی اوست که برخی از ابعاد علمی و تفسیری او را تبلوری فزون تر بخشیده است. علامه، گرچه در فضای علمی حوزه‌های دینی، راه تکامل علمی و عرفانی و اخلاقی خود را پیموده بود، ولی هرگز به علوم حوزوی اکتفا نکرد و نگاه تحقیق و تدریس و تدوین خویش را به آنچه پیشینیان منحصر داشته بودند، محدود ننمود و از واقعیات زمان و نیازهای امت اسلام غافل نگردید و با کسب علوم و اطلاعات گسترده، خود را برای ایفای رسالت الهی و اجتماعی و دینی مهیا ساخت. حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی، رییس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در گفت و گو با خبرگزاری رسا به تبیین سیره علمی علامه محمد حسین طباطبایی پرداخت و به نظریات نوین علامه در بحث فلسفه و تفسیر اشاره می کند که نوشتار ذیل حاصل این گفت و گو است.

علامه طباطبایی از عالمانی است که نقش وافر در تبیین علوم عقلی و فلسفی داشته است، لطفاً حرکت علمی علامه را در بخش حکمت متعالیه تبیین کنید؟

علامه طباطبایی (ره) از شخصیت‌های علمی نادر زمان است که در طول زندگی خود شاگردان زیادی را تربیت داد. علامه نقش خط شکن را در

فضایی که بن بست ایجاد شده بود، ایفاء کرد و توانست فلسفه ملاصدرا را که اوج فلسفه اسلامی است بارور سازد.

وی به لحاظ تسلط و احاطه ای که بر مکتب ملاصدرا داشت، توانست از پس توصیف، ارائه و تقریر حکمت متعالیه برآید و در مقام تقریر که به معنای استوار سازی است، حتی فراتر از آنچه ملاصدرا بیان کرده بود، بگوید و در مواردی که نقص‌هایی وجود داشت، مبانی فلسفه مدرسه ملاصدرا را تکمیل و تنقیح کند.

علامه طباطبایی توانست فلسفه ملاصدرا را به حوزه‌های ناگشوده بگشاند و مبانی حکمت متعالی را به حوزه‌های جدید تسری دهد.

وی آگاهی کاملی نسبت به مکاتب معاصر و خاستگاه‌های آن داشت و توانست شبهات، نگاه‌های منفی و مبانی منفی ساز را کشف و از فلسفه ملاصدرا پلی به این مسائل بزند که ناظر به معرفت شناسی، ادراک شناسی و ذهن شناسی است.

علامه توانست یک سری مباحث عمیق را بر پایه مبانی فلسفی ملاصدرا بنیان گذارد که در کتاب روش رئالیسم شاهد این نوآوری‌ها هستیم.

همواره در جوامع علمی، یک اندیشمند با درجه ابتکارات خود مورد توجه قرار می گیرد و این تولید علم و بسط جریان فکری است که جایگاه یک شخصیت علمی را نشان می دهد، علامه طباطبایی (ره) چه نقشی در تولید علم ایفاء کردند؟

علامه طباطبایی از جمله عالمان دینی است که با داشتن قدرت تحلیل بالا نسبت به مبانی اسلامی و مسائل اجتماعی، در جایگاه یک نظریه پرداز دینی خوش درخشید.

یکی از سخت ترین بحث‌ها در دین پژوهشی شناخت جنبه‌های اجتماعی به صورت موزون، منظم و روش مند است که این شاخصه در کتاب‌های عربی و فارسی علامه هویدا است.

علامه طباطبایی در ارتباط با مسائل فقهی، فلسفی، فرهنگی و اخلاقی به این مساله توجه دارد که باید بین شریعت ثابت و جهان متحول جمع کرد و ارتباطی ایجاد کرد که استاندارد باشد.

خاطره دکتر کریم مجتهدی از مترجمی مباحث علامه طباطبایی

وهانری کربن

دکتر کریم مجتهدی در مورد سه جلسه مترجمی میان علامه طباطبایی و هانری کربن گفت: علامه آن قدر ساده و صمیمی صحبت می کرد که حالت خاصی به انسان دست می داد. آرامشی را که علامه داشت؛ در کسی سراغ ندارم. کریم مجتهدی دانش آموخته دانشگاه سوربن فرانسه و در حال حاضر استاد فلسفه دانشگاه تهران و رییس گروه فلسفه غرب پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است.

وی در گفت و گو با فارس به بیان خاطرات خود از سه جلسه مترجمی میان علامه محمدحسین طباطبایی و پروفیسور هانری کربن پرداخت که مشروح آن در پی می آید: آشنایی من با پروفیسور کربن به زمان تحصیل در سوربن بازمی گردد. دوره‌ای نسبتاً طولانی با ایشان آشنا بودم و همین آشنایی سبب شد پس از اخذ کارشناسی ارشد و بازگشتم به ایران، کربن که در آن زمان به ایران سفر کرده بود، جویای احوالم شود.

پروفیسور کربن از برگزاری جلسات بحث و گفت و گوی خود با علامه طباطبایی در منزل آقای ذوالمجد - که وکیل دعاوی بود - خبر داد و اظهار تمایل کرد؛ بنده در این جلسات به عنوان مترجم میان او و علامه حضور داشته باشم. بنده در سه جلسه که به

نگاه روش ساز علامه در این بحث، نظریه ای ایجاد کرد که حوزه‌های علمیه تا به حال کمتر به آن توجه کرده در حالی که در فقه اجتماعی بسیار کارگشا است.

درباره نوع نگاه علامه طباطبایی به مسائل اجتماعی یک مصداق را تشریح کنید.

از آنجا که اسلام باید به درون جامعه بیاید و با توجه به نهادهای موجود جامعه فعال شود، شناخت نهادهای جامعه بسیار ضروری است که شاخص اصلی و فعال در نگاه علامه طباطبایی به جامعه، نهادنگری است.

وی توانسته است از مجموع مباحث نظری و اعتقادی به زن، نگاهی منطبق بر واقعیت‌های اجتماعی از نقش و جایگاه زنان ارائه کند و نسبت زن با مرد، بحث مساوات و حقوق مربوط به کار، مالکیت و ... را ارائه دهد.

علامه توانسته است با قلمروشناسی دقیق و بدون ایجاد ابهام، نقش زن را به خوبی تبیین کند و از این رو قومیت مرد نسبت به زن را به صورت موسع تفسیر و تبیین نمی کند بلکه در قلمرو خاصی لحاظ می نماید تا نگاه حاشیه به بانوان ایجاد نشود.

در بحث آزادی، نگاه بسیار تفصیل یافته، دقیق و تفکیک شده ای دارد که در ذیل آیه لا اکراه فی الدین، به ماهیت شناسی آیه روی آورده و مباحث دقیقی را به رشته تحریر درآورده است.

علامه طباطبایی به صاحب تفسیر المیزان شناخته شده است، لطفاً رویکرد علمی و روش ایشان در بحث تفسیر را بیان کنید.

در بحث‌های تفسیری سال‌ها تکرار و حرف‌های یکسان حاکم شده بود، اما علامه با ایجاد روش جدید و بیان مطالب نو توانست تحول عمیقی در دانش تفسیر ایجاد کند.

تفسیر المیزان نشانه احاطه بالای علامه و محصول جامعیت و رفت و برگشت‌های وی در بین علوم گوناگون بود. علامه با وجود اینکه یک فیلسوف و متکلم و فقیه و اصولی است، سعی می کند تا از هر آگاهی برای تفسیر قرآن استفاده نماید و البته این روش‌ها به صورت بارز نمود نداشته

دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی گفت: علامه طباطبایی چون روح زمان را می شناخت، در مقایسه با اندیشمندان، متفکران و فیلسوفان عصر خود آزاد اندیش تر بود.

غلامحسین ابراهیمی دینانی، استاد فلسفه دانشگاه تهران و از شاگردان مرحوم علامه طباطبایی به برنا، گفت: علامه یکی از فیلسوفان بزرگ قرن ما است که یکی از خصوصیات عالی او شناخت زمان بود.

وی افزود: البته شناخت زمان به معنی درک روح زمان است که کمتر کسی از آن آگاهی دارد و به جرأت می توان گفت، علامه تنها کسی بود که زمان را به درستی می شناخت. نویسنده کتاب 'خواجه نصیر فیلسوف گفتگو' در ادامه به حضور دائمی علامه در شهرهای مذهبی و سنتی چون قم و نجف اشاره کرد و ادامه داد: علامه چون روح زمان را می شناخت، حضور دائمی اش در شهرهای مذهبی وی را تحت تأثیر قرار نداد و با تمام زهد و تواضعش در مقایسه با اندیشمندان، متفکران و فیلسوفان عصر خود آزاد اندیش تر بود.

وی آزاداندیشی علامه را به دلیل شناخت درست وی از زمان دانست و تصریح کرد: درباره

علامه طباطبایی آزاد اندیش ترین فیلسوف عصر خود بود

درس فقه و اصول او می توان به جرات گفت، از هیچ کدام از فق‌های دوران خود کمتر نبود، اما همیشه با تواضعش نگذاشت که این آثارش به چاپ برسد.

دینانی که از شاگردان اصلی و همیشگی علامه طباطبایی به حساب می آید، خاطرنشان کرد: علامه با شناخت دقیق از حوزه و صرف نظر از تندروی؛ چندین سال فلسفه را در قم تدریس کرد و شاگردان بسیاری را پرورش داد و این درحالی بود که بزرگانی مثل مرحوم شاه‌آبادی و آقامیرزا آشتیانی به دلیل تدریس فلسفه از قم خارج شدند.

نویسنده کتاب 'فلسفه و ساحت سخن' درباره خاطراتش از کلاس‌های درس علامه، گفت: علامه طباطبایی علاوه بر دروسی که در قم می داد مجالس شبانه‌ای به صورت دوره‌ای برای برخی از شاگردان ویژه خود برگزار می کرد و من تمام افتخارات زندگی‌ام توفیق حضور در این کلاس‌های شبانه بوده است.

دینانی در پایان خاطرنشان کرد: جلسات شبانه علامه در زمان حضور هانری کربن اسلام شناس فرانسوی، و در تهران برگزار می شد که به نظر می رسید آن جلسات تلاقی واقعی تفکر شرق و غرب بود.

بیداری اسلامی خون تازه ای است در رگ های امت اسلامی

اساسی در این زمینه بالا بردن تعهد امت اسلامی به اجرای احکام اسلامی است. چرا که اگر این اهداف محقق شود امت اسلامی قوی تر شده و آگاهی امت اسلامی از داشته های مادی و معنوی بالا رفته و به بیداری اسلامی خدمت بزرگی کردیم.

ایشان در تشریح تاکتیک های غرب علیه امت اسلامی به سه تاکتیک اشاره داشتند که یکی از این آنها تشدید اختلافات است. به عقیده شما امت اسلامی باید به چه مسایلی توجه داشته باشند تا ترغند دشمنان خشی شود؟

وحدت اسلامی از مظاهر و نتایج بزرگ بیداری اسلامی است. اگر توده های امت اسلامی بیدارتر شوند خواهند فهمید که اسلام دین وحدت است. قرآن راه های تحقق وحدت را تأکید می کند. وحدت امت اسلامی ضامن ایستادگی این امت در قبال توطئه های دشمن است. بر این اساس می بینیم که در پیام های مقام معظم رهبری در مسئله وحدت تمرکز بسیاری می شود.

طبیعی است امتی که پاره پاره می شود نمی تواند وظایف تاریخی خود را انجام دهد و یا مقابل تهاجم ها ایستادگی کند. مسئله وحدت مهم است و می بایست توده های مسلمان درس وحدت را از حج آموخته و نور حج را به شکل وحدت فی مابین خود در بیاورند.

راهکار عملی ایجاد وحدت برای نخبگان و روشنفکران امت اسلامی چیست؟

پیش از این اشاره کردم، علما در این مسیر وظیفه مهم و قابل توجهی دارند. آنها باید به تمام توده های اسلامی درس وحدت داده و بگویند در چهارچوب اسلام همه برادریم. همه باید درد و آلام همدیگر را احساس کرده و اختلافات مذهبی، رنگی و نژادی را بر مسئله وحدت غلبه دهیم. باید همه دولت ها سعی کنند تا در امت اسلامی این احساس تقویت شود که همه اعضای یک پیکر هستند و آرزوها و دردهای همدیگر را به خوبی احساس کنند و سعی کنند بر همه مشکلات غلبه کنند.

به عنوان مثال یکی از مظاهر بیداری اسلامی انجام خوب عبادت است. اگر مضمون نماز جمعه را قوی کرده و گسترش دهیم؛ اگر حج ابراهیمی را عمق ببخشیم و آثار حج در حجاج را ماندگارتر و بالا ببریم به بیداری اسلامی خدمت کردیم.

خود حج از مظاهر اصلی موج بیداری اسلامی است. لذا ما در پیام های سالانه مقام معظم رهبری به کنگره عظیم حج می بینیم که بر بیداری اسلامی تأکید ویژه می شود.

در کنار بیداری اسلامی، مقام معظم رهبری به برخی انحرافات و دسیسه های دشمنان همانند ارائه چهره خشن از اسلام اشاره داشتند. همچنین در پیام سال های گذشته نسبت به ترورهای کور انتقاد جدی داشتند. برای مقابله با این انحرافات باید چه مواردی مد نظر جهان اسلام باشد؟

طرح و نقشه های دشمن یکی این است که به اعتقادات اسلامی مسلمانان تشکیک وارد کنند و نیز اطمینان امت اسلامی را از این که یگانه راه سعادتش در اطاعت از تعلیمات اسلام است را مورد خدشه قرار دهد. دیگر راه دشمن مورد هدف قرار دادن اخلاق امت اسلامی است و در حقیقت به دنبال این هستند تا ضمن گسترش فساد و بی بندباری و خدشه در اعتقادات مسلمانان چهره ای خشن و ضد انسانی از اسلام به جهانیان و حتی خود امت اسلامی معرفی کنند. هدف دشمن این است تا مواضع قدرت امت اسلامی را در هم شکسته و با چالش مواجه کنند. علما باید در خصوص مقابله با نقشه های دشمن به نقش تاریخی خود عمل کرده و با آگاه کردن امت اسلامی این انحرافات را به حداقل برسانند.

از سوی دیگر رسانه های گروهی نیز دارای وظیفه بسیار مهمی برای مقابله با ترغندهای دشمن بر عهده دارند. رسانه های جهان اسلام می توانند در راستای قوی و مستحکم تر کردن اعتقادات توده ها گام بردارند. باید امید امت اسلامی به آینده خود را تقویت و اخلاق امت اسلامی را به سمت اخلاق اسلام سوق داد. همه باید توجه داشته باشیم که اصل

چالش هایی بزرگی که فراروی آن قرار گرفته اند. همچنین بیداری اسلامی بابی است برای این که امت اسلامی با وظایف خود آگاه و برای تحقق آن همت کنند.

به عقیده شما منشاء این موج بیداری در جهان اسلامی که رهبری به آن اشاره کردند چیست؟

معتقدم بیداری اسلامی دارای علل و عوامل مختلفی است که قوی ترین آنها پیروزی انقلاب اسلامی ایران است. عوامل دیگر آن گسترش نهضت های اسلامی است که باید حمایت و تقویت شود. موفقیت های انقلاب اسلامی عامل اصلی این بیداری و گسترش آن در جهان اسلام است. از این رو هر قدر ما بتوانیم انقلاب اسلامی را باشکوه به جهانیان به خصوص جهان اسلام ارائه دهیم به موج بیداری در جهان اسلام کمک کردیم.

طی سالیان گذشته شاهد برقراری حکومت های مردمی در کشورهای اسلامی بودیم. برای اینکه این موج همچنان بین ملت اسلام گسترش یابد باید چه کرد؟

هر جا حرکت و نهضت اسلامی پیروز شد در حقیقت معلول نهضت بیداری اسلامی است. یکی از مظاهر بیداری اسلامی امید مسلمانان به آینده و فردای امت اسلامی و امید به پیروزی اسلام و داشتن آینده قرآنی است. باید این امید که در جهان اسلام ایجاد شده را تقویت کرد تا موجب گسترش موج بیداری شود. همچنین از جمله مظاهر بیداری اسلامی گسترش سنن اسلامی است که باید از سوی دولت ها و ملت های اسلامی مورد توجه ویژه قرار گیرد.

منظورتان از سنن اسلامی چیست و چگونه می تواند بر موج بیداری اسلامی تأثیر بگذارد؟
سنن اسلامی گسترش حجاب و تحقق مطالبه توده های مسلمان در رابطه با اجرای اسلام و گسترش درس های قرآنی و ارتقاء فهم توده های مسلمان است. تمام این امور کمک کننده موج بیداری اسلامی و گسترش آن است. هر قدر بتوانیم این مظاهر را گسترش دهیم به بیداری امت اسلامی خدمت کردیم.

همایش تقریب مذاهب اسلامی در مکه مکرمه برگزار شد

وی افزود: محورها و مشترکات مسلمانان بسیار است و اگر مسلمانان بر مشترکات خود یعنی خدا، قرآن، پیامبر، اهل بیت و... تکیه کنند با توجه به جمعیت و داشتن منابع خدادادی می توانند در جهان اثرگذار باشند.

نماینده ولی فقیه در سازمان حج و زیارت احترام به مقدسات را یکی از ضروریات تقریب مذاهب دانست و گفت: در اسلام بسیار بر رعایت ادب و دوری از بد زبانی و هتاک تأکید شده است. تعصب و تحمیل عقیده بر دیگران در اسلام وجود ندارد و برخلاف تبلیغات سوء دشمنان اسلام دین منطق و استدلال است.

وی افزود: ما مسلمانان به مقدسات سایر ادیان و مذاهب نیز نباید اهانت کنیم و نقش علما و فرهیختگان در هدایت و راهنمایی توده مردم در پیشگیری از این امر بسیار اثرگذار خواهد بود.

حجت الاسلام قاضی عسکر یکی از بزرگترین رساتهای علمای اسلام را ایستادگی در مقابل متحجران و افراطیون و جاهلان دانست و گفت: متأسفانه در جوامع اسلامی جهل حاکم است و آنچه در برخی از اذهان وجود دارد خرافه است و ارتباطی با اسلام و قرآن ندارد.

وی در پایان سخنان خود آگاهی بخشی به مسلمانان و ترجمه آموزه های اسلامی به زبانهای مختلف را یکی از راههای مقابله با متحجران و افراطیون دانست.

در ادامه همایش شیخ علی جابر نماینده حزب الله لبنان، حاج محمود احمد خلف جواد نماینده بعثه عراق، شکور اوز بداغ نماینده بعثه ترکیه، جباری یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران، محمد عبداللطیف الخطیب نماینده بعثه مصر، شبیر زیدی نماینده بعثه پاکستان و حاج شیخ ذکریا اویب ابوخلف نماینده بعثه نیجریه سخنرانی کردند.

گسترش موج بیداری میان امت اسلامی اصلی ترین محور پیام امسال مقام معظم رهبری به کنگره عظیم حج بود. موجی که از دیدگاه آیت الله محمد علی تسخیری منشاء آن انقلاب اسلامی ایران است. آیت الله تسخیری که به واسطه حضور در راس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی تماس زیادی با امت اسلامی دارد معتقد است باید انقلاب ایران را هر چه باشکوه تر به جهان اسلام ارایه کرد تا الگویی برای ملت های آگاه مسلمان باشد. وی مراسم حج را از مظاهر بیداری اسلامی شمرده و تأکید می کند: اگر حج ابراهیمی را عمق ببخشیم و آثار حج در حجاج را ماندگار تر و بالا ببریم به بیداری اسلامی خدمت کردیم. تسخیری که سالیان دراز عمر خود را وقف وحدت در جهان اسلام کرده وظیفه علما و نخبگان مسلمان را مهم و قابل توجه دانسته و می گوید: اختلافات مذهبی، رنگی و نژادی را بر مسئله وحدت غلبه دهیم.

مشروح گفت و گو را در ادامه می خوانید:

مقام معظم رهبری در پیام امسال خود به کنگره عظیم حج به موج بیداری اسلامی اشاره کردند. به نظر شما شاخصه ها و نشانه های این بیداری اسلامی چیست و چگونه می شود آن را گسترش داد؟

مقام معظم رهبری به این موضوع یعنی بیداری اسلامی کمال اهتمام را داشته و در تمام پیام هایی که طی سالیان گذشته به حجاج دادند مسلمانان را به بیداری اسلامی توصیه کردند. این مسئله نشان دهنده اهمیت این موضوع از دیدگاه معظم له است. بنده معتقدم اصولاً هنر رهبری جمهوری اسلامی ایران چه در زمان حضرت امام (ره) و چه در زمان مقام معظم رهبری هدایت بیداری اسلامی و عمق بخشیدن به این موضوع و گسترش مظاهر بیداری اسلامی است.

می شود گفت بیداری اسلامی خون تازه ای است که در رگ های امت اسلامی جریان داشته و می تواند عامل عظیمی در تشدید نهضت امت اسلامی و ایستادگی امت اسلامی در قبال

همایش تقریب مذاهب اسلامی با حضور گسترده نمایندگان مذاهب اسلامی در سالن اجتماعات بعثه مقام معظم رهبری در مکه مکرمه برگزار شد. حجت الاسلام سیدعلی قاضی عسکر سرپرست حجاج ایرانی در ابتدای این همایش گفت: مسئله تقریب مذاهب یکی از مسائلی است که سالیان دراز در میان جوامع اسلامی و خصوصاً فرهیختگان جهان اسلام مطرح بوده وهست. مطالب زیادی هم در این زمینه گفته شده، همایشهای فراوانی در کشورهای مختلفی برگزار و اندیشمندان این موضوع را از زوایای مختلف مورد بحث قرار داده اند.

وی افزود: بنابراین در لزوم تقریب مذاهب اتفاق نظر وجود دارد و اطاعت از فرمان خداوند که می فرماید **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمْعِيًّا وَلَا تَفَرَّقُوا** رمز جاودانگی اسلام در عرصه جهانی است.

سرپرست حجاج ایرانی تفرقه را موجب از بین رفتن عزت مسلمین و سلطه بیگانگان دانسته و گفت: تفرقه جوامع اسلامی را بر لب پرتگاهی قرار می دهد که اگر سقوط کنند به عذاب الیم در دنیا و آخرت دچار می شوند.

وی با اشاره به این نکته که غرب به خاطر اتحادی که بر سر منافع خود دارد پیشرفت کرده و در مسیر باطل خود به موفقیت دست پیدا کرده است گفت: اما کشورهای اسلامی علیرغم مشترکات فراوانی فرهنگی و عقیدتی به خاطر تحجر و افراطی گری نتوانسته اند آن چنان که باید اثرگذار باشند.

حجت الاسلام قاضی عسکر رمز موفقیت جهان اسلام را نهادینه شدن تقریب مذاهب اسلامی دانسته و گفت: برای تحقق این امر باید ابتدا تعریف درستی از تقریب مذاهب داشته باشیم. تقریب به معنای فروموش کردن عقاید و باورهای اساسی نیست بلکه به معنای تکیه بر مشترکات است.

لاله افتخاری:

افشای تحریکات دشمن علیه شیعه و سنی هدف

مرکز تقریب مذاهب است

رئیس بانوان مرکز تقریب مذاهب اسلامی گفت: آشکار کردن حقیقت و برملاکردن نقشه های دشمنانی که قصد تحریک شیعه و سنی علیه یکدیگر را دارند؛ از جمله برنامه های مرکز تقریب مذاهب اسلامی است. لاله افتخاری، رئیس بانوان مرکز تقریب مذاهب اسلامی در گفت وگو با فارس در خصوص وضعیت تبلیغ وهابیت در بین حجاج ایرانی که به عربستان رفته اند، اظهارداشت: وهابیت ساخته آمریکا، صهیونیسم و استکبار است که در داخل کشور و هم در بین حجاج ایرانی در مکه فعالیت دارد. وی با بیان اینکه بسیاری از مسلمانان نسبت به اقدامات ضد اسلامی وهابیت آگاه شده اند، گفت: مردم به ویژه افراد تحصیل کرده و صاحب نظر این حقیقت را درک کرده اند که سخنان و ادعاهای وهابی ها درست نیست.

رئیس بانوان مرکز تقریب مذاهب اسلامی با اشاره به برنامه های این مرکز اظهار داشت: آشکار کردن حقیقت و برملاکردن نقشه های دشمنانی که قصد تحریک شیعه و سنی علیه یکدیگر را دارند؛ از جمله برنامه های مرکز تقریب مذاهب اسلامی است.

وی با بیان اینکه در راستای تقریب مذاهب اقدامات زیادی انجام شده است، تصریح کرد: تنظیم سند مشترک، حقوق مسئولیت های نظام از نگاه اسلام و مذهب، برگزاری همایش های مشترک شیعه و سنی در داخل و خارج از کشور و تاسیس دفتر در کشورهای مختلف از جمله اقدامات انجام شده در این مرکز است.

افتخاری در خاتمه گفت: در راستای وحدت بین مذاهب نیز مصوبه ای در برنامه پنجگم گنجانده و در فراکسیون وحدت مذاهب اسلامی مجلس، در هفته وحدت در سال ۱۳۸۸ اعضا شد که اولین امضاها از نمایندگان اهل تسنن مجلس بود.

در گفتگویی با حجت الاسلام والمسلمین سید هادی خسروشاهی مطرح شد:

افق معنوی و روشن یک فتوای تاریخی

در این زمینه صاحب‌نظر هستند آنچه در پی می‌آید ماحصل گفتگوی
ما از ایشان است.

احمد جوادی - روزنامه جمهوری اسلامی
مورخ ۸۹/۸/۱۲



همراه با شیخ احمد الطیب «شیخ الازهر»

چه گام‌های دیگری را در راستای حل اختلافات مذهبی باید بردارند تا جهان اسلام به سمت تقریب واقعی به معنای کلمه حرکت کند؟

طبیعی است که تقریب بین مذاهب، با اقدام یک طرف و سکوت طرف دیگر معنی و مفهومی پیدا نمی‌کند. همیشه یکی از گله‌های دوستان مصری و مشایخ الازهر در ملاقات‌ها این بوده که در مقابل فتوای شیخ شلتوت و به رسمیت شناخته شدن مذهب شیعی و حتی تدریس فقه شیعه در دانشگاه الازهر، علمای شیعه چه اقدام متقابل و مثبتی انجام داده و چه گامی برداشته‌اند؟ خوشبختانه گام مثبت نخستین با تأسیس دانشگاه مذاهب اسلامی از سوی مجمع جهانی تقریب برداشته شد که طلاب و دانشجویان آن، از هر مذهبی، فقه خود را یاد می‌گیرند و این یک گام مثبت و متقابل وحدت طلبانه ایست که ایران اسلامی برداشته است.

در حوزه علمیه قم هم طلاب بسیاری از بلاد عربی و آفریقایی سنی، حضور دارند و مشغول تحصیل هستند که این امر گامی دیگر در راستای تعارف و تقریب بین مذاهب اسلامی است.

از سوی دیگر، گله اساسی و عمده آنان در مورد سب و لعن در میان بعضی عناصر وابسته به شیعه، در منابر یا کتاب‌ها بود که همواره زحمات تقریبی دلسوزان را خنثی می‌کرد. اما علاوه بر اقدامات بیشماری که قبلاً در جلوگیری از این قبیل امور اختلاف برانگیز بعمل آمده بود و علاوه بر بیانات آیت الله خامنه‌ای در سفر سال قبل به کردستان، در تحریم اهانت به مقدسات اهل سنت، صدور فتوای تاریخی اخیر مقام معظم‌له، گام مثبت و بسیار بلندی بود که در واقع تحقق آرزوی دیرینه همه دلسوزان مسلمان بشمار می‌رود. و خوشبختانه این فتوا که با استقبال شیوخ بسیاری از محافل اهل سنت در بلاد مختلف روبرو گردید، با تأیید مراجع و علما بلاد شیعه و حوزه‌های علمیه هم همراه شد که بی‌تردید می‌تواند نقش سازنده‌ای در راستای اهداف وحدت مسلمین و تقریب بین مذاهب داشته باشد. البته ما امیدواریم که نویسندگان و مولفان فریقین، بجای نبش قبور! و یافتن موارد اختلافی هزارو چند صد سال پیش و تکرار اتهاماتی از قبیل اعتقاد به تحریف قرآن و مسائلی از این قبیل، در زمینه موارد وحدت و تقریب، تحقیق کنند و کتاب و مقاله بنویسند، در نماز جمعه‌ها حقایق را آنطور که هست بدون ترس و واهمه، برای رضای حق بیان کنند و مطرح سازند، تا به یاری خدا راه حرکت بسوی تقریب واقعی، هموارتر گردد.

البته شکی نیست که تشکیل سمینارها، میزگردها، جلسات علمی و گفتگوهای حضوری و

صدور فتوای وحدت بخش رهبر معظم انقلاب و اظهارات شیخ الازهر، زمینه‌ای شد برای گفتگو با جناب آقای خسروشاهی که تجربه زیادی در زمینه تقریب دارند و به دلیل آشنائی با افکار علما و مشایخ اهل سنت و شیوخ الازهر و مسائل تقریب مذاهب،

مشرفه بحث کرد و با استناد به متون سلفی‌ها، بویژه کتاب‌های «شیخ الاسلام ابن تیمیه» تمام شبهات و اشکالات مطرح شده آن‌ها را پاسخ داد و به شدت از روش‌های شیعیان در حب اهل بیت دفاع کرد و آنان را یکی از دویال اسلام معرفی نمود. البته در مواردی، او شاید تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌ای و بویژه گفته‌های بی‌دلیل دوست و برادر ▲ همراه با شیخ احمد الطیب «شیخ الازهر» قدیمی ما شیخ یوسف القرضاوی، از مسئله تبشیر شیعی! در بلاد سنی، گله‌مند شد که من بلافاصله در نامه برادرانه‌ای که برای او فرستادم، یادآور شدم که از کدام تبشیر شیعی سخن می‌گویید؟ آیا «مجمع البحوث الاسلامیه» الازهر، اجازه نشر یک کتاب شیعی را در قاهره می‌دهد، یا حتی در نمایشگاه بین‌المللی کتاب در قاهره، عرضه کتابهای شیعی در تفسیر و حدیث و فقه و کلام و حکمت مجاز است؟ و یادآور شدم که در ایران کتابهای علمای اهل سنت مصر و غیر مصر را به فارسی ترجمه و منتشر می‌سازند و حتی ترجمه دوره کامل تفسیر شهید سید قطب - فی ظلال القرآن - را در سی جلد، در قم، مرکز حوزه علمیه قم، توسط برادران سنی خود چاپ و منتشر می‌سازند. و از همه مهمتر آنکه از همین برادر ارجمند جناب شیخ القرضاوی - که متأسفانه در یک خطای فاحش دیگری، در ماهواره الجزیره، در برنامه الشریعه و الحیاه، شیعه را «متدع» نامید - تا کنون بیش از سی جلد از آثارش، به فارسی ترجمه و در سراسر ایران، با اکثریت شیعه، منتشر شده است. بدین ترتیب آیا این، از نظر شما یک نوع تبشیر شیعی، یا تبشیر سنی است؟ پس از این مکاتبه، شیخ در دیدگاه خود تجدید نظر کرد و دیگر سخن از تبشیر! بمیان نیاورد.

بهر حال شیخ احمد الطیب، شیخ کنونی الازهر، از صمیم قلب به شیعه علاقمند است و به عقاید آن احترام می‌گذارد و مانند دیگر شیوخ الازهری: شیخ محمود عاشور قائم مقام سابق شیخ الازهر، شیخ دکتر نصر فرید و اصل، مفتی سابق مصر و چندین عالم دیگر که در پشت سر علماء شیعه در قم و تهران نماز خواندند و علمای شیعه دیگر در ایران، پشت سر آنان نماز گزارند، آمادگی قلبی دارد که پشت شیعه نماز بخواند و به نجف برود و با مراجع و علمای عظام دیدار داشته باشد.

البته اظهارات رسمی و علنی و نشر این دیدگاه شیخ الازهر، تأثیر بسزائی نخست در بین دهها هزار طلبه و دانشجوی الازهر، در رابطه با وحدت و تقریب دارد و علاوه بر آن در میان عامه مردم مصر و بلاد اسلامی دیگر هم تأثیر گذار است. اما بنظر من بحث‌های شیخ الطیب در برنامه «فقه الحیاه» در جلوگیری از آثار منفی بد اخلاقی‌های افراد افراطی - باصلاح سلفی - واهی - بیشترین اثر را می‌تواند داشته باشد. و من البته اخیراً طی نامه‌ای از ایشان خواسته‌ام که اجازه دهد برنامه‌های فقه الحیاه به زبان فارسی ترجمه و در ایران منتشر گردد.

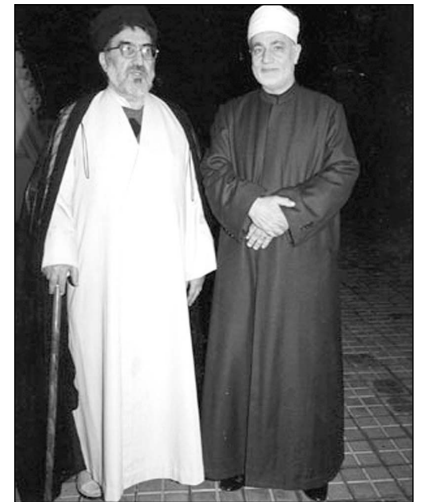
پس در کل باید گفت که دیدگاهها و اندیشه‌های شیخ احمد الطیب کاملاً تقریبی است و نشر آن افکار، افق تقریب را در بلاد اسلامی روشنتر خواهد ساخت. **علمای جهان اسلام از اهل سنت و شیعیان،**

حجت الاسلام والمسلمین سیدهای خسروشاهی نویسنده و محقق صاحب نام و سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در واتیکان و مصر و کارشناس ارشد وزارت امور خارجه، از فعالان برجسته در حوزه تقریب میان مذاهب اسلامی است.

- اصولاً باید توجه داشته باشیم که تأسیس «جامعه الازهر» توسط سلسله فاطمی‌ها در مصر، اثر مثبت و ماندگاری در روحیه الازهریان و بطور کلی مصریان نسبت به اهل بیت علیهم السلام و شیعه و تشیع بیادگار گذاشته است.

آثار این امر در کتاب‌ها و نوشته‌ها و یا تعظیم و تکریم مقابر اهل بیت در مصر، توسط اکثریت مردم و شیوخ الازهر، کاملاً آشکار و هویدا است و من چگونگی این مسئله را در کتاب «اهل البيت في مصر» که نخست در قاهره و سپس در تهران از سوی «مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی» تجدید چاپ شده است به تفصیل آورده‌ام. در واقع روی همین اصل، مشایخ الازهر در هر دوره‌ای، بنحوی با شیعیان مناسبات حسنه‌ای داشته‌اند. اما پس از اقامت طولانی و ده ساله سید جمال الدین حسینی (اسدآبادی معروف به افغانی) در مصر و ارتباط وثیق او با شیوخ و طلاب الازهر، و دروس و خطابه‌های او، این پیوند را استوارتر ساخت بویژه که سید هیچگاه در مسائل اختلافی بین شیعه و سنی، وارد نمی‌شد و همه وقت در فکر ایجاد وحدت و تقریب و تربیت طلاب الازهر بود که نمونه برتر آنان، شیخ محمد عبده - مفتی بعدی دیار مصر - و مرید و مخلص سید حسینی است.

تأسیس دارالتقریب در قاهره به پشتیبانی مرحوم آیت الله بروجردی و همت مرحوم علامه شیخ محمد تقی قمی و همکاری همه جانبه شیوخ الازهر با آن و عضویت شیخ حسن البنا نخستین رهبر اخوان المسلمین در مصر در هیئت مؤسس این نهاد نوپا، نقش ویژه‌ای در نشر و تحکیم اندیشه تقریب بین مذاهب اسلامی داشت. و البته می‌دانیم که علمای بزرگ شیعه در: ایران، عراق، لبنان و... با این نهاد همکاری مثبت و فعالی داشتند و همین روابط، و



▲ همراه با دکتر نصر فرید و اصل مفتی سابق مصر

سپس مکاتبه مرحوم آیت الله بروجردی با مرحوم شیخ محمود شلتوت - شیخ الازهر - موجب صدور فتوای «جواز تعبد به مذهب شیعه، مانند بقیه مذاهب اربعه» گردید. البته از آن به بعد، همواره دشمنان وحدت اسلامی و اخلاک‌گرا سلفی - اعم از انصار السنه! یا واهی‌ها و دیگر نخله‌های متحجر - کوشیده‌اند که بر این وحدت و این اندیشه، صدمه بزنند و بدون وقفه کوشیده‌اند که با سوء استفاده از بعضی آراء شاذی که در بین عده قلیلی از شیعیان درباره صحابه و یا همسران پیامبر وجود داشته، تفرقه ایجاد کنند، و متأسفانه موجب کدورت‌های موسمی

و زودگذر هم شده‌اند. توطئه‌ای که چندی پیش توسط مزدوران اجاره‌ای امپریالیسم - و صهیونیسم با سخنرانی «یاسر الحبيب» عنصر بی‌مایه فراری از کویت - که طبق معمول در پناه پیر فرتوت استعمار انگلیس در لندن جای گرفت - آغاز شد و نشر سخنان او در ماهواره‌های متعددی که با هزینه آل سعود و وهابیه اداره می‌شوند، زمینه مساعدی برای پیدایش مجدد تفرقه و بحران در بلاد اسلامی و حتی ایجاد درگیریهای خونین در مناطق مختلفی از جهان اسلام، بوجود آورد و دشمنان خوشحال از عمل خیانت بار و برنامه‌ریزی شده «یاسر الحبيب» و پشتوانه‌های وی، در انتظار بوجود آمدن بحرانی عمیق و اختلافی حل نشدنی، بین مسلمانان شیعه و سنی، در سطح جهانی بودند ولی هرگز فکر نمی‌کردند که این توطئه، به یاری حق، در نطفه خفه خواهد شد.

بدون هیچگونه تردیدی فتوای تاریخی و ماندگار حضرت آیت الله خامنه‌ای (حفظه الله) در تحریم اهانت به اصحاب و همسران پیامبر و یاد دیگر مقدسات اهل سنت، یک عامل اساسی و بنیادی در از بین بردن زمینه اختلاف و ریشه کن نمودن انگیزه بحران بود. من فکر نمی‌کنم که در طول تاریخ اسلام، از آغاز و تاکنون، هیچوقت یک مقام برجسته شیعی، یک مرجع تقلید، یک عالم بزرگ، شهامت و شجاعت صادر کردن این چنین فتوای تأثیرگذاری را داشته باشد و این «فدا» و «ایثار» حسینی، در واقع توانست ریشه فتنه را از بیخ و بن برکند و علیرغم احتمال واکنش‌های منفی عناصر معدود متحجری که متأسفانه هنوز در بین محافل و یا حوزه‌های ما پیدا می‌شوند، بطور شفاف، حقیقت مطلب بیان شد، کاری که بی‌تردید پادشاه آن عندالله محفوظ خواهد بود. و ما عند ربک خیر و ابقی.

اظهارات اخیر آقای احمد الطیب شیخ الازهر درباره شیعیان (نماز پشت سر شیعیان) تا چه حد می‌تواند بد اخلاقی‌ها میان افراد تندرو در مذاهب اسلامی را تغییر دهد و افق تقریب میان مذاهب را روشن تر کند؟

شیخ احمد الطیب از علمای معروف مصر و فارغ التحصیل جامعه الازهر و دانشگاه سوربن فرانسه، یکی از روشن بین‌ترین علمای الازهر است... آشنائی اینجانب با ایشان ده سال پیش و از دورانی آغاز شد که ایشان پس از برادر گرانقدر دیگرمان، شیخ دکتر نصر فرید و اصل - مفتی پیشین مصر - به دارالافتاء رفت و مفتی مصر شد... وی البته پس از مدتی کوتاه، به ریاست دانشگاه الازهر انتخاب گردید و اکنون ریاست «مشیخه الازهر الشریف» را بعهده دارد.

بنده در ملاقات‌های متعددی که با ایشان داشتم، او را فردی آگاه، مطلع، عالم، فقیه، تاریخ دان، محقق، بصیر و شریف و شخصی منطبق با نام خود - الطیب - یافتم و ایشان همیشه با فروتنی خاص در دیدارها، مرا تادم درب آسانسور در دارالافتاء و یا دانشگاه الازهر بدرقه می‌کرد و احترام خاصی به «سادات» و یا بقول مصری‌ها «أشراف» قائل بود.

شیخ احمد الطیب، در دوران ریاست دانشگاه، یک برنامه پرسش و پاسخ در ماهواره مصری «النبیل» داشت که هر هفته در روزهای جمعه تحت عنوان: «فقه الحیاه» پخش می‌شد. این برنامه واقعاً «فقه الحیاه» بود. ایشان چندین برنامه، درباره اهل بیت پیامبر و استحباب و حتی لزوم و ضرورت زیارت مشاهد



▲ هیئت علمای مصر و لبنان، از راست به چپ:

شیخ فرحات، شیخ فرید واصل نصر (مفتی مصر)، محمود مراد، شیخ محمد طنطاوی (شیخ الازهر)، دکتر محمود زقزوق (وزیر اوقاف مصر)، شیخ السیابی (مسقط)



و علامه شیخ محمود شلتوت در تهران و قم، با شرکت شیخ محمود عاشور (قائم مقام شیخ سابق الازهر) و شیخ دکتر نصر فرید واصل (مفتی سابق مصر) و چندین نفر دیگر از علمای الازهر تشکیل گردید که این دیدارها و گفتگوها در تهران و قم، تأثیر بسیاری در روشن شدن اذهان علمای الازهر و مردم مسلمان مصر داشت.

▲ هیئت علمای ایران در میزگرد قاهره، از راست به چپ: شیخ محمدعلی تسخیری، شیخ محمد واعظ زاده، سید هادی خسروشاهی، عبدالله قمی، علی مومن

برادرانه، یکی از بهترین و موثرترین راه‌ها برای وصول به هدف نهائی تقریب است. خوشبختانه ایران اسلامی با تشکیل دهها و بلکه صدها سمینار و کنفرانس، در ایران و دیگر مناطق دنیا، در این مسیر گام برمی‌دارد و گفتگوهای به دور از عناد و لجاج، افکار و اندیشه‌ها را روشن می‌سازد و بدین ترتیب در واقع زمینه رشد و نمو نفاق و خلاف، بد اخلاقی و درگیری نشر تهمت‌ها و اکاذیب و... از بین می‌رود. در اینجایی مناسب نیست اشاره کنم که علاوه بر ملاقات‌ها و دیدارهای مکرر و متعدد با علمای الازهر و دیگر شخصیت‌های علمی غیر الازهری در مصر، که آثار مثبت بسیاری داشت، در ربیع الاول ۱۴۲۲، بهنگام اقامت بنده در قاهره، نخستین میزگرد تقریبی با حضور شیخ سابق الازهر، مرحوم شیخ سیدمحمد طنطاوی، شیخ دکتر نصر فرید واصل، شیخ دکتر حمدی زقزوق، (وزیر اوقاف) و چند نفر دیگر از علمای مصر و لبنان و مسقط، و آیت الله شیخ محمد واعظ زاده و آیت الله شیخ محمدعلی تسخیری و شیخ عبدالله محمدتقی القمی، و اینجانب، در قاهره تشکیل گردید که محصول آن میزگرد و گفتگوها به طور کامل در دو شماره از روزنامه معروف الازهر چاپ و منتشر گردید و ماهم علاوه بر چاپ و نشر مستقل آن در قاهره، چندین بار هم متن عربی و ترجمه فارسی آن را در ایران منتشر ساختیم که در واقع گام مثبت دیگری در راه تقریب بود. البته علاوه بر آن، یک بار هم از سوی مجمع جهانی تقریب، کنفرانسی بعنوان بزرگداشت آیت الله بروجردی

از سوی مقام معظم رهبری در سخنرانی عمومی در کردستان - سنج - صادر شد، اقدام مثبتی در حوزه‌ها و رسانه‌ها - اعم از مطبوعات، رادیو و تلویزیون - که در شان ارزش همچو نظریه سازنده و تاریخی بود، بعمل نیامد و بلکه متأسفانه ما شاهد شعار نویسی بر در و دیوار شهرهای مذهبی و حتی نوشتن سب و لعن بر شیشه‌های وسائل عمومی حمل و نقل، شدیم... در حالیکه جلوگیری از این پدیده مذموم و غیر مشروع، کار مشکلی نبود. مثلاً اتحادیه تاکسی رانی شهرستان قم به راحتی می‌توانست با یک اخطار جدی به رانندگان، از شعار نویسی بر روی شیشه‌های تاکسی‌ها! جلوگیری بعمل آورد. اما باز هم متأسفانه ما شاهد این اقدام و حرکت ضروری نبودیم...

از سوی دیگر صداوسیما هم در این مورد به وظیفه خود، خوب عمل نکرد و بجای تشکیل ملال آور میزگردها و گفتگوهای دوفره‌ای ثمر - در همه کاتال‌ها! - به انجام مصاحبه و تشکیل میزگرد - با شرکت علما و جامعه‌شناسان و پیروان مذاهب رسمی کشور - برای بررسی این موضوع حیاتی در یک کشور اسلامی در یک جامعه متعدد المذاهب، اقدامی نکرد، و جرائد و مطبوعات هم شاید در کلیت خود رسالتی را که برعهده داشتند، انجام ندادند و نویسندگان و تحلیل‌گران آن‌ها هم به بررسی و تحقیق و پژوهش در ریشه تاریخی این امور و خرافه‌زدائی از اذهان، نپرداختند، و اگر روزنامه جمهوری اسلامی به این امر پرداخت، در واقع یک استثناء بود. **با توجه به فتوای اخیر رهبر معظم انقلاب و**

جمعی مصر، نتایج این دیدار و کنفرانس را تشریح کردند و بطور شفاف بیان داشتند آنچه که در ایجاد اختلافات و نشر اتهامات دیده می‌شود، ناشی از توطئه‌های دشمنان اسلام و مسلمین است. آنها گفتند: ما در ایران پشت سر علمای شیعه در تهران و قم نماز خواندیم و علمای آنان نیز پشت سر ما نماز گذاردند، و اگر خدای ما و پیامبر ما و قرآن ما یکی است و اعمال و عبادات دینی مان از نماز و روزه و حج و زکات و... یکی است، پس اختلاف برای چیست؟ آیا این نوع اقدامات اختلاف‌انگیز دوری از تعالیم اسلام و همکاری با توطئه‌های یهود و نصاری نیست که می‌خواهند ما را از برادران خود جدا سازند؟

عامه مردم و مقلدین چگونه باید در راستای عمل به فتوای وحدت بخش مراجع و علمای اسلام اقدام کنند؟ وظیفه مبلغین در تداوم تأثیر فتوای تقریبی تا چه اندازه می‌تواند به کمرنگ کردن اختلافات کمک کند؟ بی‌تردید نقش علما و مبلغین دین در مساجد و محافل مذهبی در روشن ساختن اذهان عمومی و تبیین محتوا و منطق فتوای رهبری و دیگر افکار و نظریات تقریبی، و کمرنگ کردن اختلافات بی‌نتیجه مذهبی و عقیدتی، یک نقش اساسی و بنیادی است... یعنی در صورت قیام و اقدام و عمل علما و مبلغین به وظیفه خود، و روشنگری در سطوح مختلف، عامه مردم و مقلدین مسلمان به پیروی از نظریات مراجع عظام، در این زمینه نیز همگام خواهند بود، و به عبارت روشنتر: اگر علما و مبلغین وظیفه شرعی خود را در این راستا

موانع و عوامل تقریب مذاهب اسلامی

آیت الله محمد آصف محسنی - رئیس مرکز فرهنگی علمی شیعیان افغانستان

۴- تدوین جلسات تبلیغی مشترک در اوقات مناسب دینی مانند ماه رمضان، تجلیل از نزول قرآن، میلاد النبی (ص) و امثال اینها که شیعه و سنی بر آنها اجتماع دارند. ۵- تشخیص دقیق موارد متفق علیه و مختلف فیه بین طرفین، تا به وسیله اختلاف موهوم و غیر واقعی از هم دور نشویم. ۶- اشتراک در غم و شادی پیروان سایر مذاهب که در یک محل زندگانی می‌کنند. ۷- ادامه کنفرانس‌های تقریبی و توسعه آن در کشورهای دیگر. ۸- تشکیل شوراهای اخوت اسلامی به منظور تقریب در هر محلی که جمع متناهی از شیعه و سنی اقامت دارند؛ ما در افغانستان چنین شوراهایی را تأسیس کرده ایم و به حد توان کمک جزئی هم به آنان نموده ایم که باید در فکر توسعه آن می‌باشیم. ۹- کم کردن فشارهای سیاسی و اعطای حقوق کامل مدنی و غیره توسط دولت‌ها به اقلیت‌های مذهبی که قهرام محبت را در بردارد، در افغانستان ماده ۴، ۵ و ۱۳۱ قانون اساسی سال ۱۳۸۲ شیعیان را از دولت و اکثریت راضی نمود. ۱۰- برائت شیعه از غلات و اهل سنت از نواصب، تا وجود این دو طایفه باعث اشتباه برادران مسلمان شیعه و سنی نشود و همه باید بدانیم که غلو و نصب در اسلام مشروعیتی ندارد.

بعلاوه که اوضاع سیاسی و اجتماعی و فامیلی دانشمندان و خصوصیات زمان و مکان آنان نیز در پیش داوری و در تفاوت آرای آنان مؤثر بوده است، به هر حال اینگونه اختلافات طبیعی و عادی و حتی غیر قابل اجتناب است. ۱- تفریق و تخریب خارجی دشمنان اسلام و مسلمین، چه به انگیزه تعصب دینی و چه انگیزه استثمار و سیاسی. ۲- تفریق و تخریب داخلی که به دو گونه وجود دارد: ۷۳- تخریب منسجم و دسته جمعی به پشتوانه حمایت مادی و معنوی بعضی از جهات که ظاهراً آخرین سال‌های عمر خود را طی می‌کنند و احتمالاً این جهات بیش از چند سال، کمی عمر نتوانند. ۷۲- تخریب فردی به انگیزه ثواب! مانند عالمان مذهبی کوتاه نظر و غالباً کم سواد. و تخریب فردی به انگیزه ریاست طلبی و شهرت و پول داری حتی از راه اجیر شدن برای خارجی‌ها. اکثر این موانع از بین رفتنی نیستند، و اصحاب تقریب باید به فکر اکثریت عوام مسلمان باشند و آنها را به سوی تقریب، جهت دهی نمایند و وقت خود را نباید برای تقریب عمومی و یا از بین بردن این موانع بیهوده ضایع کنند. **عوامل تقریب** ۱- تشکیل مدارس دینی مختلط از پیروان مذاهب متعدد، مانند مذاهب اربعه و... و مذاهب شیعه (امامیه و

تقریب یعنی همکاری در ترویج و حفاظت مشترکات دینی که بسیار زیاد است و معذور دانستن همدیگر در مورد اختلافات، روی اصل: للمصیب أجران و للمخطی أجر واحد. و برادری و دوستی به عنوان مسلمان، روی اصل: انما المؤمنون اخوة، در زندگانی اخلاقی و اجتماعی و سیاسی و بالاخره مورد چهارم عدم توهین به پیشوایان و اصول مذهبی سایر اهل مذاهب اسلامی. **منشأ اختلافات مذهبی که عادی و طبیعی می‌باشد** دو منبع مهم اسلامی، قرآن مجید و سنت شریف نبوی می‌باشد که هیچ مسلمانی نمی‌تواند منکر آن شود، ولی دانشمندان مسلمان در استفاده نمودن از متون قرآن و سنت شریف به خاطر تفاوت‌های مراتب علمی و ذوقی خود یکسان نبوده‌اند، که طبعاً مذاهب متعددی در طول تاریخ شکل گرفته‌اند. در استفاده از احادیث مبارکه نبوی، مشکل وثاقت و ضعف راویان نیز وجود داشته و علمای علم رجال در این مورد متفاوت بوده و هستند و لذا جمعی، حدیثی را معتبر دانسته و به آن عمل کرده‌اند و جمعی به خاطر اینکه وثاقت بعضی از راویان حدیث برای آنان ثابت نشده، به آن عمل نکرده‌اند. موارد حکم عقل (در مذهب شیعه) و قیاس (در مذهب حنفی و بعضی از مذاهب دیگر) و اجتماعات نیز اختلافاتی را در نظریات دانشمندان اسلامی پدید آورده است.

جehl و ناآگاهی نسبت به دین موجب ریخته شدن خون‌ها به نام دین می‌شود

دین صورت می‌گیرد!!

رهبر شیعیان بحرین ادامه داد: بله، همه این‌ها به نام دین و به دست مسلمانان انجام می‌گیرد و پیامد آن این خواهد بود که چهره اسلام مخدوش شود، حیثیت آن لطمه ببیند، نسل‌های آینده امت اسلامی به آن کافر شوند، چهره‌ای زشت نزد دیگر امت‌ها به خود بگیرد، دشمنی‌ها علیه آن افزایش یابد، دشمنان بر سر غارت این امت با یکدیگر به نزاع برخیزند، خیلی زود تمام دنیا از هدایت این دین عظیم محروم شود و فرصت نجات یافتن را از دست بدهد، از هر تبلیغی به سوی اسلام و از هر دعوت راستینی، از همه علم و انوار آن، از تمام تلاش‌های علما و مبلغانش، از همه تجربه‌های عادلانه و موفق‌آمیزش، از تمام تاریخ درخشان و اصالت و راستی و صفا و ظرفیت‌های روشنی‌بخش آن به دست این تخریب که به نام اسلام صورت می‌گیرد محروم گردد.

منبع: مرکز خبر حوزه

سخنان خود با انتقاد شدید از پدیده تروریسم که به نام دین صورت می‌گیرد گفت: در نتیجه این کار، چهره اسلام مخدوش شده، حیثیتش لطمه می‌بیند و دنیا این دین عظیم را از دست داده و فرصت نجات یافتن را از دست خواهد داد.

وی افزود: جهل و ناآگاهی نسبت به دین موجب ریخته شدن خون‌ها به نام دین می‌شود، کینه شخصی و طایفه‌ای باعث ازدیاد کشت و کشتار به نام دین می‌گردد، حزب‌گرایی ضد دینی به خونریزی به نام دین می‌انجامد، طمع ورزی‌های دنیوی باعث کشته شدن بی‌گناهان به نام دین می‌شود، روح جنایت‌کارانه تشنه به خون به نام دین جوی‌های خون به راه می‌اندازد و جان‌های عاری از تقوی کلیساها و مساجد و اماکن مقدس و مورد احترام را بر سر عبادت‌کنندگان به نام دین ویران می‌کند. چه جنایات، بی‌رحمی‌ها، امور شرم‌آور، سیاست‌های ظالمانه، غارت، چپاول و رسوایی‌هایی که به نام

کشور یا حزب اسلامی که می‌خواهد در خط اسلام از استقلال و انقلاب فرهنگی برخوردار باشد تشدید می‌کند؟ چرا به دنبال دفن گزینه اسلامی برای کشورهای مسلمان و تلاش به منظور از میان برداشتن آن است؟ چرا با فرهنگ و قوانین و رسوم اسلامی کشورهای مسلمان در خود آن کشورها مبارزه می‌کند؟

وی خاطر نشان کرد: اسلام و امت اسلامی، خوبی و دلسوزی آمریکا را نمی‌خواهند و برایشان همین کافی است که آمریکا از دشمنی خود با آن‌ها دست بردارد، خود را ملزم به احترام به دیگران بکند همچنان که از دیگران انتظار احترام دارد.

رهبر شیعیان بحرین تاکید کرد: بدانید که سرنوشت اسلام و امت اسلامی، تسلیم اراده آمریکا و هیچ اراده‌ای در روی زمین نخواهد شد، چراکه وعده تخلف‌ناپذیری بر نجات جهان به دست این دین و این امت داده شده است.

آیت الله عیسی قاسم در بخش دیگری از

آیت الله عیسی قاسم در باره اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا که گفته بود: آمریکا با اسلام و مسلمانان دشمنی ندارد، ابراز داشت: سخن زیبایی است، به شرط اینکه واقعیت داشته باشد و اگر واقعیت دارد پس چرا آمریکا اصرار دارد که از رژیم صهیونیستی حمایت مالی و نظامی کند؟

وی در اجتماع شیعیان در مسجد امام صادق (ع) شهر الدراز اظهار داشت: آمریکا تلاش می‌کند تا رژیم صهیونیستی در بعد نظامی از همه کشورهای اسلامی پیش‌افتد و حال آنکه این رژیم دشمنی خود را نسبت به اسلام با ظلم و تهدید آن به نابودی آشکارا اعلام می‌دارد!

وی ادامه داد: آمریکا هرگونه اقدامی از سوی نیروی مسالمت‌آمیز یا دفاعی کشورهای اسلامی را سرکوب می‌کند و با این همه ادعا دارد که با اسلام و امت اسلامی دشمنی ندارد.

آیت الله عیسی قاسم در ادامه این سؤال را مطرح ساخت که: چرا آمریکا دشمنی خود را با هر

دبیر ستاد حقوق بشر ایران:

اصلی‌ترین نقض‌کنندگان حقوق بشر، آمریکا و اسرائیل هستند

چگونه ساختمان‌ها را منفجر کنند، مکان‌های عمومی را آتش‌بزنند و چگونه مردم را تحریک کنند که علیه دولت ایران اعتراض و آشوب کنند.

لاریجانی گفت: ما دریافته‌ایم که آمریکا در این امر تنها نبوده بلکه دولت انگلیس، فرانسه و آلمان نیز در آن سهیم بوده‌اند. به عنوان مثال دولت انگلیس نه تنها از طریق رسانه‌ها علیه ایران تبلیغ می‌کرد بلکه به صورت عملی نیز در اعتراضات و اغتشاشات وارد شده بود. یک نکته غم‌انگیز اینکه یک مامور ام‌ای ۶ انگلیس که من می‌توانم اسم او را افشا کنم، در یک روز دوشنبه به ایران می‌آید و در همان روز در یک خیابان خلوت ندا اغا سلطان این دختر مظلوم را می‌کشد و در همان روز به انگلیس بازمی‌گردد و موجی از فتنه و ابهام را در کشورما می‌پراکند.

دبیر ستاد حقوق بشر ایران گفت: این‌ها هیچ‌کدام نگران مسائل حقوق بشری نیستند و من می‌توانم برای هر پاراگراف این پیش‌نویس دلایلی بیاورم که این‌ها همه اهداف شیطننت‌آمیز سیاسی دارند و در جهت اهداف سلطه‌طلبانه امریکا تهیه شده‌اند.

مشاور امور بین‌الملل رییس قوه قضاییه ایران گفت: غربی‌ها از این عصبانی هستند که ایران نه تنها نمی‌خواهد یک کپی از دموکراسی آمریکایی داشته باشد بلکه خودش یک نمونه منحصر به فرد دموکراسی خودش را ایجاد کرده است که بسیار موفق بوده و ایران را به آن مدارجی که اشاره کردم رسانده است.

کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل، و با تأثیر از فشار و لابی‌سنگین کشورهای غربی، قطعنامه‌ای را علیه جمهوری اسلامی ایران با ۸۰ رأی از میان ۱۹۲ عضو سازمان ملل به تصویب رساند. از میان ۱۹۲ کشور عضو مجمع عمومی سازمان ملل ۱۱۲ کشور به این قطعنامه رأی منفی یا ممتنع دادند.

کشورهای اروپایی چگونه بشردوستانی هستند که به آنها پناه می‌دهند و از آنها حمایت و پذیرایی می‌کنند. لاریجانی گفت: یکی از دستاوردهای بزرگ جمهوری اسلامی در ۳۰ سال گذشته این بوده است که یک دموکراسی مبتنی بر عقلانیت اسلامی در این کشور پدید آورده است که اسباب پیشرفت جامعه‌مارا در همه ابعاد پدید آورده است.

وی افزود: این دستاوردها در کمتر از سه دهه‌ما را به یکی از بزرگترین دموکراسی‌های منطقه تبدیل کرده است. کشور ما هم‌اینک مانند خود کانادا توانایی غنی‌سازی سوخت برای راکتور را پیدا کرده، ما یکی از کشورهای شده‌ایم که توانایی راهیابی به فضا و قرار دادن ماهواره در مدار را به دست آورده است. این انقلاب ایران را به کشور شماره یک در بحث سلول‌های بنیادی و شبیه‌سازی تبدیل کرده است.

دبیر ستاد حقوق بشر ایران در ادامه تشریح دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی ایران گفت: این انقلاب برای زنان ما تحصیلات عالی به همراه آورده است به گونه‌ای که هم‌اینک بیش از ۶۵ درصد از دانشجویان و دانشگاهیان ما را زنان تشکیل می‌دهند. همین دموکراسی بود که سبب شد بی‌سوادی از کشورمان ریشه‌کن شود. حال سوال این است که ما چه جنایتی مرتکب شده‌ایم؟ جرم ما این است که کپی دموکراسی آمریکا نیستیم. ما نمی‌خواهیم مانند دموکراسی کشورهای غربی بشویم.

وی خاطر نشان کرد: در همین اعتراضات بعد از انتخابات ریاست جمهوری با تحقیقات گسترده‌ای که توسط دولت جمهوری اسلامی بعمل آمد بسیاری از حقایق روشن شد. اما غربی‌ها از این حقایق خرسند نشدند چرا که معلوم شد کشورهای غربی به شدت روی این اعتراضات سرمایه‌گذاری کرده بودند و حتی آموزش داده بودند و اردوگاه‌هایی را در کشورهای همسایه ما ایجاد کرده بودند تا به معترضان یاد بدهند که

بشریت است به آن رأی منفی داد. کدام نگرانی درباره حقوق بشر؟ چشم بستن روی کشته شدن صدها مرد و زن بی‌گناه فلسطینی در غزه؟

وی افزود: یکی از نشانه‌های غیرحرفه‌ای، شیطننت‌آمیز و بی‌اساس بودن این پیش‌نویس قطعنامه این است که اتهامات غیر قابل‌اثباتی در آن مطرح شده که ثابت کردن هر یک از آنها سال‌ها وقت لازم دارد. لاریجانی در ادامه گفت: اجازه بدهید که مثالی برای شما بزنم لطفاً توجه کنید. در پاراگراف دوم این پیش‌نویس آمده که ایران برای جرم محاربه که هیچ تعریف دقیقی ندارد و به معنی جنگ با خداست، حکم اعدام صادر می‌کند. آقایان و خانم‌ها همین ادعای بی‌اساس نشان می‌دهد که همه این‌ها یک فریب است. وی افزود: این درحالی است که مفهوم محاربه هسته اصلی و قانونی مبارزه با تروریسم است که همه کشورها خود را موظف به انجام آن می‌دانند و این جای تعجب دارد که چگونه برخی از کشورها خودشان را محق می‌دانند که با نام جنگ با تروریسم به جنگ سراسری با سایر کشورها بروند اما جمهوری اسلامی ایران را که در خط مقدم مبارزه با تروریسم است زیر سوال ببرند.

دبیر ستاد حقوق بشر ایران گفت: ناراحت‌کننده‌ترین قسمت آن، این حقیقت است که آمریکا و اعضای نام‌آور اتحادیه اروپا اصلی‌ترین حامیان گروهک‌های تروریستی مخوف و خطرناک مانند منافقین (مجاهدین خلق)، پژاک و دارودسته ریگی هستند که همه نوع کمکی از آمریکا فرانسه و آلمان دریافت می‌کنند.

مشاور امور بین‌الملل رییس قوه قضاییه اظهار داشت: رهبران این گروهک‌های تروریستی که مسوول کشتار صدها زن و مرد و کودک ایرانی هستند پیوسته با اعضای مجالس آمریکا، آلمان و فرانسه در ارتباط هستند و مهمتر از همه اینکه دولت‌های این

دبیر ستاد حقوق بشر ایران نشست رأی‌گیری کمیته سوم مجمع سازمان ملل برای پیش‌نویس یک قطعنامه ضد ایرانی را به جلسه محاکمه کشورهای غربی در مسئله حقوق بشر تبدیل کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ستاد حقوق بشر، دکتر محمد جواد لاریجانی که در مخالفت با به رأی گذاشتن پیش‌نویس یک قطعنامه ضد ایرانی در کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل صحبت می‌کرد، اظهار داشت: اصلی‌ترین نقض‌کنندگان حقوق بشر به شکل گسترده در سراسر جهان کشورهای غربی و علی‌الخصوص آمریکا و اسرائیل هستند اما همه اعمال ظالمانه و ضد بشری آنها نادیده گرفته می‌شود.

دبیر ستاد حقوق بشر ایران با بیان اینکه پیشنهاد دهنده این قطعنامه یعنی کانادا، زشت‌ترین سوابق در نقض حقوق بشر، از جمله جنایت در حق بومیان کشور خود را داراست، به قرار گرفتن نام رژیم دهشت افکن اسرائیل در کنار نام دیگر بانیان غربی پیش‌نویس این قطعنامه اشاره کرد و گفت: اسرائیل که خود کارنامه سیاهی در جنایت و تروریسم و نقض حقوق بشر دارد از بانیان این پیش‌نویس شده است. وی در بخش دیگری از این سخنرانی به بخشهای از مفاد قطعنامه ضد ایرانی تحت عنوان وضعیت حقوق بشر در ایران اشاره کرد و گفت این پیش‌نویس بشدت غیر حرفه‌ای و پر از مسائل بی‌اساس و اتهامات غیر قابل‌اثبات و اظهارات شیطننت‌آمیز است.

وی افزود: این متن هیچ ارتباطی با حقوق بشر و ارتقاء آن ندارد، بلکه صرفاً در خدمت همان سیاست‌های خصمانه و سلطه‌طلبانه امریکا علیه ایران است.

لاریجانی اظهار داشت: نماینده کانادا مدعی است که کشورش نگران نقض حقوق بشر در ایران است ولی این اعضای محترم آگاه هستند که زمانی که قطعنامه‌ای برای محکومیت اسرائیل در کشتار مردم بی‌گناه غزه در جریان بود همین کانادایی که نگران

مقامات سعودی یک جوان شیعه این کشور را به اتهام داشتن عکسی از دبیرکل حزب الله در دفتر کارش به ۱۵ روز حبس محکوم کردند.

پایگاه خبری الرأصد "گزارش داد که "سمیر احمد الحمادی"، جوان شیعی ۳۵ساله اخیراً به دلیل قرار دادن تصویری از سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله در دفتر کار خود در شهر الاحساء "از سوی "دربن جلوی"، فرماندار این شهر به ۱۵روز حبس محکوم شد.

مقامات امنیتی عربستان، الحمادی را که مدیر بخش سیر و سفر شرکت الحمادی در الاحساء است در بازداشت نگاه داشته‌اند.

منابع نزدیک به این شهروند سعودی گفتند: مقامات تحقیقات جنایی استان احساء، احضاریه‌ای را برای الحمادی فرستادند و به محض حضور وی در مرکز جنایی، وی را دستگیر و به زندان عمومی منتقل کردند. مقامات امنیتی نیز علت بازداشت الحمادی را

حکم حبس برای جوان شیعه سعودی به دلیل داشتن «عکس نصرالله»

مقامات امنیتی در آگوست گذشته نیز الحمادی را به همین اتهام بازداشت کرده بودند اما از وی تعهد کتبی گرفته بودند که دیگر عکس دبیرکل حزب الله را در دفتر کارش قرار ندهد.

مقامات سعودی پیش از این نیز شماری از جوانان شیعه را به بهانه چسباندن یا قرار دادن عکس سید حسن نصرالله در داخل خودروهای خود بازداشت کرده بودند.

طنز تلخ:

مصر، هرگز غزه را محاصره نمی کند!!



شوند!

طرح ملی بزرگ مصر که در قالب ساخت دیوار در مرز با غزه تجسم یافته است نیز در همین راستا در عمق خاک مصر به اجرا درآمده است تا از این طریق نیز از انسان فلسطینی که در طول شصت سال گذشته تحت ظلم و ستم فراوان قرار داشته است، دفاع شود.

آری مصر در مسیر دفاع از برادران خود باقی خواهد ماند حتی اگر بهای گزافی را در این راه بپردازد و حتی اگر برخی از طریق رسانه های خبری و با برنامه های خطرناک خود که علیه امنیت ملی عرب ها تدارک دیده اند، تلاش کنند تا به چهره این کشور خدشه وارد نمایند و با روزنامه های خود که از معادلات سیاسی و امنیتی و ملی غافل می باشند، بخوانند به این کشور و حیثیت آن لطمه وارد کنند، باز این کشور به راه خود ادامه خواهد داد و از کمک بی شائبه خود به برادران فلسطینی مظلوم دست نخواهد کشید!!!

نویسنده: سلیمان ابوسته
مرکز اطلاع رسانی فلسطین

میلیون انسان بی دفاع و غیر نظامی آمده اند... آری مصر اجازه نداد تا آنان که نیت تخریب نوارغزه را در سر می پروراندند و می خواستند فساد و تباهی را در میان ساکنان غزه ترویج دهند، از طریق خاک این کشور وارد نوارغزه بشوند و به ریش مردم بختندند... تمامی اهداف این افراد جاسوسی علیه مجاهدان در غزه بود و آنان می خواستند تا نقاط ضعف فلسطینیان ساکن غزه را به اطلاع دشمن برسانند و لذا مصر هر هزینه ای را تحمل کرد ولی اجازه نداد این افراد وارد نوارغزه بشوند! محافظت از جهاد فلسطینیان یکی از اهداف اصلی مسئولان امنیت ملی مصر است و به همین دلیل رییس جمهور مصر اعلام کرده است که هیچگاه به هیچ کاروانی اجازه نخواهد داد تا از طریق خاک این کشور وارد نوارغزه بشود به ویژه که اعضای این کاروان ها افراد تحریک کننده و فتنه جو هستند و می خواهند بر روابط بسیار محکم دو ملت برادر مصر و فلسطین خدشه وارد کنند!!!

و باز هم به همین دلیل مصر از ورود مواد غذایی به نوارغزه جلوگیری می کند تا باز این فلسطینیان آزاده به سرزمین اشغال شده اشان جنگ بزنند و هنگام وابسته شدن به مواد غذایی مصر خاک کشورشان را فراموش نکنند و تا پیوسته به فکر سرزمین و ثروت ها و محصولات آن باشند. همین برادران مصری با وجود مشکلات فراوانی که خود دارند به سرعت و با جدیت تمام به حل مشکلات فلسطین پرداختند و این بزرگان همیشه مشکلات خود را فراموش می کنند تا به حل مشکلات دوستان خود مشغول

مصر هنوز به این شیوه پسندیده خود ادامه می دهد و این چراغ مبارک را روشن نگه داشته است. قبلا نیز این کشور از خروج صدها مجاهد فلسطینی از غزه سرفراز جلوگیری کرده بود که از جمله این افراد می توان از وزیر بهداشت دولت حماس نام برد که مصر نگذاشت وی از غزه خارج شود زیرا سوییسی ها برای وی نقشه کشیده بودند و می خواستند از طریق دعوت از وی برای مشارکت در همایش خیالی او را از سرزمین مقاومت و جهاد دور سازند و از آن تبعید کنند که در این جا مصر به یاریش شتافت و نگذاشت نقشه دشمنان عملی شود و باز بر همین مبناست که تحت هیچ شرایطی مصر به ساکنان نوارغزه اجازه خروج نمی دهد و چه بسا گاهی انسان نسبت به دوستان و نزدیکان خود صرفا برای حفاظت از آنان سخت گیری می کند و آنان را تحت فشار قرار می دهد. مصر شاید گاهی مجبور می شود تا کسانی را که نصیحت ها و طرح های حکیمانه وی را نمی پذیرند بازداشت و شکنجه کند و از این طریق می خواهد مجاهدان در سنگرهایشان باقی بمانند و قطعا محمد دباباش آخرین فردی نیست که در فرودگاه قاهره به همین دلیل بازداشت می شود و چنین اقدامی صرفا در جهت حمایت از مسیر و شیوه مقاومت صورت می گیرد و بس.

باز به همین دلایل است که مصر با رهبری حکیمانه و صاحب اندیشه و تدبیر سیاسی گسترده خود به بسیاری از تروریست ها و اخلاکگران که انگیره های کاذب و خیالی داشتند، اجازه نداد تا وارد نوارغزه بشوند، آن هایی که می گفتند برای لغو محاصره غیر انسانی از یک و نیم

آری مصر هیچگاه برادرانش را محاصره نمی کند بلکه از آنان از نظر مادی و تسلیحاتی حمایت می کند تا بتوانند حقشان را از صهیونیست های غاصب بگیرند و سرزمینشان را از چنگالشان آزاد سازند و پرچم آزادی را بر فراز کوه های فلسطین برفرازند و تا این دو سرزمین برادر باهم و دوشادوش هم از نعمت امنیت و آرامش برخوردار شوند. مصر مانند دژی است که امنیت ملی عرب ها را تامین می کند و این کشور با تمام توان خود سعی می کند تا از انسان فلسطینی در برابر نابودی و آوارگی و دوری از سرزمین مقدس خود محافظت نماید. بر همین مبنای این کشور گذرگاه مرزی رفح را بسته بود و هنوز بسته است و این بستن گذرگاه صرفا به منظور حفاظت از این آزادمردان فلسطینی و به هدف جلوگیری از سرگردانی و نابودی آنان در کشورهای مختلف جهان صورت گرفته است، جهانی که آزادی و عزت ملت ها را در عرصه این کره خالی به دست فراموشی سپرده است...

بر همین مبنای بود که مصر تصمیم گرفت تا از خروج عده ای از سران حماس از غزه از طریق عبور از خاک این کشور جلوگیری کند زیرا این رهبرانی که پرچم جهاد و مقاومت تا آزادی کامل فلسطین را برافراشته نگه داشته اند نباید هیچگاه از پایگاه های خود خارج شوند و باید در سرزمین مبارزه و جهاد باقی بمانند و باز بر همین اساس مصر اجازه نداد، این رهبران از نوارغزه پایدار و استوار خارج شوند تا بتوانند فریضه حج را به جای آورند و در مذاکرات میان گروه های فلسطینی مشارکت جویند!!!

دین موسی؛ قربانی واقعی صهیونیسم

برای نمونه 'ایلان بابی' استاد علوم سیاسی دانشگاه حيفا در 'اسرائیل' می گوید: اسناد و مدارک مربوط به جنگ سال ۱۹۴۸ اثبات کرده که صهیونیست ها برای اخراج فلسطینی ها دست به کشتار زده اند و قصه فلسطین 'قصه مصیبت و فاجعه است.

صهیونیست ها اکنون نیز برای تداوم مهاجرت و کوچ اجباری مسلمانان و عینیت یافتن طرح 'یهودی سازی فلسطین' به تخریب مسجد 'تحریم اذان و کشتار و فاجعه دست می زنند.

'یهودی شدن فلسطین' چیزی جز یک فاجعه انسانی نیست که بر ساکنان اصلی این سرزمین یعنی مسلمانان و کنعانیان فرود آمده و این فاجعه مطابق نقشه ای صورت می گیرد که پدیده و جنبش سیاسی صهیونیسم 'گروه های افراطی صهیونیستی و پشتیبانان قدرتمند آن ها مانند انگلیس از قبل تهیه کرده اند.

در اجرای کامل این فاجعه 'متأسفانه توازن قوا و شرایط منطقه ای و بین المللی در خدمت صهیونیسم و سازمان ها و گروه های وابسته به این جنبش سیاسی و نژادی است و صهیونیسم از هر روشی بویژه روش دینی برای رسیدن به اهدافش در فلسطین استفاده می کند.

به دلیل گسترش و تعمیق فاجعه انسانی در سرزمین فلسطین و اجرای طرح یهودی سازی این سرزمین بخصوص از طریق توسعه شهرک سازی در قدس و کرانه باختری رود اردن' می توان گفت که منطقه خاورمیانه در قرن ۲۱ نیز که ۱۰ سال از آن گذشته است روی صلح 'آرامش و امنیت نخواهد دید مگر این که مشکل و 'بحران فلسطین' از طریق تاسیس کشور مستقل فلسطینی به مرکزیت بیت المقدس' حل شود.

تخریب مسجد آنان را آزاد کردند. از دید صهیونیست ها نه تنها بانک اذان و وجود مسجد در شهرهای کوچک فلسطین اشغال شده 'غیرقانونی' است که به ادعای آنها حتی مسجدالاقصی 'نخستین قبله مسلمانان' در شهر بزرگ بیت المقدس غیرقانونی است زیرا بر ویرانه های هیکل (معبد سلیمان) ساخته شده و بازسازی این معبد در گرو تخریب این مسجد و اخراج یا مهاجرت جمعی مسلمانان از این شهر مقدس است. سردمداران و منابع رسمی رژیم اشغالگر قدس هیچ گاه به حق وجود و موجودیت مستقل مسلمانان در سرزمین فلسطین اعتراف نکرده اند زیرا در این صورت مجبورند به حقوق آنان مانند داشتن مسجد و مؤذن اعتراف کنند.

اعتراف به حقوق مسلمانان 'مبارزه شان برای رفع غصب سرزمین فلسطین' ظلم و نژادپرستی را مشروع جلوه می دهد که این موضوع با پدیده صهیونیسم و روایت مذهبی و رسمی این پدیده از تاریخ'متناقض است.

در روایت رسمی صهیونیسم و رژیم صهیونیستی از تاریخ'ساکنان مسلمان فلسطین در دوره حکمرانی سلسله عثمانی'ابتدا به 'پناهندگان' و پس از جنگ سال ۱۹۴۸ به افراد پراکنده ای که زمین های خود را در سرزمین موعود یهودیان رها و فرار کرده اند و خود دست به مهاجرت جمعی زده اند' تعبیر شده است.

پژوهشگران مستقل و حتی برخی محققان منصف یهودی روایت 'مهاجرت جمعی مسلمانان' را زیر سوال برده اند و به این ادعای رژیم اشغالگر قدس که آنان خود به خود و به شکل ارادی یا به دعوت شاهان و امیران عرب' خاک فلسطین را ترک کرده اند'خدشه وارد کرده اند.

ابوعجوه در گفت و گو با الجزیره' اقدام پلیس یافا را نژادپرستی و سوء استفاده رژیم صهیونیستی از دین یهود دانسته و گفته است که از ابتدای ظهور اسلام و گرایش ساکنان یافا به این دین'همه روزه صوت اذان به عنوان یکی از مهم ترین شعائر اسلامی از مساجد پخش می شده و هیچ مزاحمتی برای یهودیان نداشته است.

مطابق اسناد و کتاب های تاریخی 'یافا قبل از مهاجرت تدریجی و طراحی شده یهود به فلسطین و پیش از تاسیس غیرقانونی رژیم صهیونیستی' مسلمان نشین بوده اما پس از آن و بر اساس طرح های استعماری انگلیس و سازمان های صهیونیستی 'یهودیان اکثریت را به دست آورده اند. بلند بودن صدای اذان و ایجاد مزاحمت برای یهودیان 'بهانه سردمداران مذهبی' سیاسی و نظامی تل اوویو است و ممنوع شدن آن در یافا که در سال ۱۹۴۸ میلادی (۱۳۲۷ خورشیدی) اشغال شد در راستای تغییر هویت تاریخی این شهر و انجام عملیات 'یهودی سازی کامل فلسطین' صورت می گیرد.

در همین ارتباط 'ماموران پلیس رژیم اشغالگر قدس'با بولدوزر'یک مسجد را در شهر 'زحاح' در جنوب فلسطین اشغالی ویران و ادعا کردند که ساخت این مسجد' غیرقانونی و بدون کسب مجوز' بوده است.

به گزارش خبرگزاری ملی فلسطین 'یوسف ابو جامر' سخنگوی شاخه محلی جنبش اسلامی، که در سرزمین اشغالی در سال ۱۹۴۸ 'اسرائیل' فعالیت می کند' گفت : ماموران پلیس رژیم صهیونیستی صبح زود به مسجد یورش برده و کسانی را که سرگرم ادای نماز بودند دستگیر کرده و به خارج شهر بردند و پس از پایان عملیات

رژیم اشغالگر قدس برای رسیدن به اهداف سیاسی خود در خاک فلسطین از هر ابزاری از جمله تمسک به اصول دین یهود و حتی تحریف آن استفاده می کند و در حق پیروان دیگر ادیان یعنی فلسطینی های مسلمان مرتکب ستم می شود. به لحاظ دینی ادعاهای رژیم صهیونیستی بر سه محور وعده الهی' قوم برتر و سرزمین مقدس بنا شده است. بر مبنای این ادعاها خداوند بنی اسرائیل را به عنوان قوم و امت برتر شناسانده و بازگشت به سرزمین مقدس را به آنها وعده داده است.

در واقع سردمداران دینی 'فکری و سیاسی رژیم صهیونیستی مدعی تحقق وعده الهی از طریق تاسیس جامعه و دولت یهود در خاک فلسطین هستند و لازمه یا اقتضای این کار این است که ادیان دیگر مانند مسیحیت و بخصوص اسلام و نمادها و شعائر آن مانند مسجد و اذان نباید در فلسطین وجود و حضور داشته باشند.

در این ارتباط شهرک نشینان یهودی و گروه های صهیونیستی'به کمک پلیس شهر 'یافا' در جنوب فلسطین اشغالی اذان گفتن در مسجدهای این شهر قدیمی مانند مسجد بزرگ 'الجبلیه' را ممنوع کردند.

پایگاه اینترنتی الجزیره گزارش کرد که این گروه ها با گرفتن حکم از پلیس یافا اذان گفتن را 'غیرقانونی' عنوان کرده و مدعی شده اند که صدای بلند اذان موجب آزار و اذیت پیروان دین یهود می شود.

بر اساس این گزارش' نیروهای امنیتی و انتظامی یافا امامان جماعت مسجد های این شهر از جمله 'احمد ابوعجوه' امام مسجد الجبلیه را احضار و به آنان تفهیم کرده اند که در صورت پخش اذان'بازداشت' محاکمه و زندانی می شوند.

آیت الله مکارم شیرازی خواستار شد:

شبکه‌ی ماهواره‌ای «نهج البلاغه» راه‌اندازی شود

نهج البلاغه کتابی است که مانند خود امیر مومنان علی (ع) مظلوم واقع شده است و لذا یکی از وظایف ما در شرایط کنونی این است که این کتاب شریف را از مہجوریت درآوریم. آیت‌الله مکارم شیرازی افزود: ما باید بتوانیم از طریق کارهای آموزشی و پژوهشی، همچنین چاپ کتب به زبان‌های مختلف دنیا، در این راستا گام برداریم. وی با تأکید بر این که نهج البلاغه منبع غنی علمی در موضوعات مختلف به شمار می‌رود، گفت: در شرایطی که عده زیادی از برادران اهل سنت اصلاً از وجود کتابی به عنوان نهج البلاغه مطلع نیستند و وهابیون هم نمی‌خواهند این کتاب

حضرت آیت الله مکارم شیرازی خواستار تلاش بنیاد بین المللی نهج البلاغه در راستای راه اندازی شبکه ماهواره ای نهج البلاغه شدند.

این مرجع تقلید طی سخنانی در دیدار رییس و کارکنان بنیاد بین المللی نهج البلاغه اظهار کرد: با توجه به این که دایره تأثیر گذاری و اطلاع رسانی شبکه ماهواره ای به مراتب از نگارش کتب و مقالات وسیع تر است، لذا خوب است این بنیاد در آینده بتواند شبکه ماهواره ای نهج البلاغه را راه اندازی کند.

وی ضمن تقدیر از فعالیت‌های این بنیاد و به ویژه آیت الله دین پرور در مدیریت این مجموعه، گفت:

هشدار آیت الله مقتدایی:

دشمن برای جدایی مردم از روحانیت از هر فرصتی بهره می برد

اهتمام ویژه معظم له به قم و روحانیت می‌باشد. عضو جامعه مدرسین: با اشاره به برخی از فرمایشات ایشان در سخنرانی‌های خود در حوزه علمیه قم افزود: امروز ایران به برکت انقلاب اسلامی و پشتوانه روحانیت، کشور مقتداری بوده و این مسئله دشمنان را نگران و ناراحت نموده و در صدد جدایی روحانیت از نظام هستند. مدیر حوزه‌های علمیه با تأکید بر حضور فعال روحانیت در جامعه گفت: کناره گیری طلاب از جامعه از تأثیر پذیری آنان می‌کاهد.

حجت الاسلام ربانی:

اسلام منهای روحانیت برای تهی کردن جامعه از فرهنگ اسلامی خود است

را که منشا؛ استکباری دارد نشان می‌دهد و با گسترش شعار اسلام منهای روحانیت می‌خواهند جامعه را از وجود انسان‌هایی که از جنبه تخصصی مجتهد هستند و تکیه‌گاهی برای زمینه‌های علمی و دینی محسوب می‌شوند از صحنه اجتماع حذف کنند.

آقای ربانی گلپایگانی به تاریخچه چگونگی مطرح شدن اسلام منهای روحانیت پرداخت و گفت: با مطرح شدن تفکر سوسیالیستی در ترکیه، ظهور آتاتورک و پیوند خوردن او با نظام طاغوت ایران این مسئله شدت یافت، هر چند نقشه‌ای بود که ریشه‌اش به انگلستان باز می‌گردد و با متلاشی کردن قلمرو عثمانی در تشکیل حکومت‌ها و دولت‌ها این‌طور القا کردند که نظام سیاسی مبتنی بر دین بوده ولی کسانی که آرا دینی دارند در حکومت جای ندادند. وی در ادامه افزود: ریشه اصلی "جدایی دین از سیاست" و اسلام منهای روحانیت در غرب شکل گرفت و آنجایی که "مارتین لوتر" مؤسس "پروتستانتیسم" با علما و دانشمندان دینی مقابله کرد و نتیجه این گونه تفکرات به فساد اخلاقی در بین آنها منجر شد که با استفاده از اندیشه او واکنشی در اسلام با این دیدگاه مطرح شد. این محقق و پژوهشگر دینی با بیان اینکه

عضو هیئت علمی مؤسسه امام صادق (ع) با بیان اینکه پیدایش مذهب ساختگی بهائیت و وهابیت برای مهجور کردن اسلام شکل گرفته است، گفت: بهائیت مسائل غیراخلاقی را مجاز شمرده و مردم را در دام شیطان گرفتار می‌کند.

حجت الاسلام علی ربانی گلپایگانی، عضو هیئت علمی مؤسسه تعلیماتی - تحقیقاتی امام صادق (ع) در گفت و گو با توانا اظهار داشت: هر مکتب و ایدئولوژی به دنبال دیدگاه جهانی و اصولی هستند و کسانی باید این دیدگاه‌ها را دانسته و برای مردم تشریح کنند هر چند مسایل اجتماعی، سیاسی و اخلاقی براساس این گونه دیدگاه‌ها شکل می‌گیرد. وی در ادامه افزود: دین اسلام به عنوان کامل ترین دین آسمانی به شمار می‌رود و مکتبی است که در آن با توجه به منابعی مانند قرآن کریم اصول فقهی منتج می‌شود که این اصول فقهی را باید افراد متخصص است استخراج و به تبیین آن پردازند.

این استاد برجسته حوزه و دانشگاه در ادامه بیان داشت: مقام معظم رهبری صحبت‌هایی پیرامون جدایی دین از سیاست و اسلام منهای روحانیت در سخنرانی اخیر خود در قم ایراد کردند که نقشه‌های شیطانی دشمن

مجموعه فقه الصادق بر روی

اینترنت قرار گرفت

متن کامل مجموعه فقهی فقه الصادق در قالب کتابخانه دیجیتال با امکان جستجوی قوی و پیشرفته بر روی اینترنت قرار داده شده است. به گزارش خبرگزاری رسا، پایگاه اطلاع رسانی آثار حضرت آیت الله سید صادق روحانی، در قالب کتابخانه دیجیتال و به آدرس www.rohan.com راه اندازی شد. در نخستین اقدام متن کامل مجموعه فقهی فقه الصادق با امکان جستجوی قوی و پیشرفته در سایت قرار داده شده و به تدریج سایر کتب فقهی و اصولی این مرجع تقلید نیز در این سایت آورده خواهد شد.

فقه الصادق، مجموعه استدلالی کاملی است در مباحث فقهی که از مبحث طهارت تا دیات را شامل می‌شود. این کتاب، شرحی بر کتاب "تبصره" از تألیفات علامه حلی می‌باشد و در ۴۱ جلد و ۲۰ هزار صفحه به چاپ رسیده است. پایگاه اطلاع رسانی آثار حضرت آیت الله روحانی به همت مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و برای دسترسی آسان تر به مجموعه آثار این عالم شیعی طراحی شده است.

در طراحی این پایگاه از قابلیت‌های مفید و منحصر به فرد موجود در نرم افزارها و نیز قابلیت‌های مفید موجود در شبکه که حتی در نرم افزارها قابل دست‌یابی نبوده است مانند به اشتراک گذاشتن نتیجه پژوهش‌ها، استفاده شده است. باید اشاره کرد که استفاده از کتابخانه و امکانات پژوهشی آن منوط به عضویت در سایت است. برای این امر، کاربر باید در قسمت مشترکین اطلاعات خواسته شده را تکمیل و ارسال نماید. عضویت در این پایگاه رایگان است.

روحانیت در برابر حکومت اسلامی را اصل و اساسی آرمانی و ایده آل خواند و اظهار داشت: در حال حاضر وظیفه‌ای که داریم این است که از اصل نظام دفاع و حمایت کنیم، هر چند مجموعه نظام و بدنه آن خالی از اشتباه و خطا نیست. عده‌ای با نفوذ خود می‌خواهند دست به تخریب زده و یا ناخواسته عملی انجام دهند، و در این جا است که باید نظارت و انتقاد باشد و اصل امر به معروف و نهی از منکر اجرا شود و آنچه که مورد تأیید مقام معظم رهبری است اینست که روحانیت کنار نکشد و نباید هم انتظار داشته باشد که نقد نشود.

وی گوشه‌گیری روحانیت در زمان طاغوت را نوعی مبارزه با استبداد برشمرد و افزود: با انتقاد صحیح می‌توان از حاشیه‌نشینی و عزلت‌گزینی دوری کرد و نباید به خاطر برخی کاستی‌ها و نواقص کنار برویم، باید در مواقع انجام گرفتن خطا و اشتباه انتقاد کرد و همه تلاش کنیم که در سایه ولایت فقیه که با درایت حضرت امام خمینی (ره) ترویج و عملیاتی شد؛ نظام مقدس جمهوری اسلامی را حفظ کنیم.

در دنیا مطرح شود، وظیفه ما در ترویج نهج البلاغه به ویژه کشورهای سنی نشین بسیار سنگین است. این مفسر برجسته قرآن کریم با بیان این که نهج البلاغه یک دلیل قوی بر ولایت امیر مومنان (ع) است، گفت: خیلی خوب است که حتی شرح‌هایی که علمای اهل تسنن بر نهج البلاغه نوشته‌اند را در بین برادران اهل سنت معرفی و تبلیغ کنیم. وی اظهار کرد: حتی می‌توانیم در کشورهای غربی و واتیکان هم با برگزاری سمینار و نیز ایجاد کرسی تدریس، نهج البلاغه را به مردم این کشورهای مسیحی معرفی کنیم.

وی با تأکید بر حضور فعال روحانیت در متن اجتماع ابراز داشت: اگر روحانیت از نظام و اجتماع کناره‌گیری کند، منزوی شده و دیگر تأثیر پذیری خود را نخواهد داشت.

رییس هیات امنای جامعه المطفی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به این که بشر همواره در طول تاریخ در حال آزمون الهی بوده و هست تصریح کرد: هرکس از آزمون الهی سربلند بیرون آید، به اجر و مزد فراوان می‌رسد و اگر کسی به جایی یا مقامی رسیده است بخاطر این موفقیت بوده است.

شکل‌گیری فرقه بهائیت و وهابیت ریشه استعماری دارد، عنوان کرد: پیدایش مذهب ساختگی علیه مذهب اصلی برای مهجور کردن اسلام شکل گرفت تا از برجستگی اصلی اسلام بکاهد.

عضو هیئت علمی مؤسسه تعلیماتی - تحقیقاتی امام صادق (ع) در ادامه افزود: چنانچه افرادی که به دین اسلام پایبند نیستند در کسوت روحانیت قرار گیرند، بزرگ‌ترین ضربه را به اسلام وارد می‌کنند که بهائیت نتیجه تلاش همین افراد است. این افراد با ارائه شعارهای دینی عده‌ای را دور خود جمع کردند که نتیجه آن بهائیت شد که مسائل غیراخلاقی را مجاز شمرده و مردم را به دام شیطان گرفتار کرد.

این استاد حوزه و دانشگاه با اشاره به جمله‌ی «العلماء ورثة الانبياء» بیان کرد: اگر با نگاه تاریخی به تحلیل عصر غیبت امام زمان (عج) بپردازیم، به این نکته پی می‌بریم که بزرگان دینی نقش پر رنگی در استبداد ستیزی و مبارزه با استعمار داشتند یا به گفته دکتر شریعتی قرارداد استعماری را شاید یک فرد غیر روحانی امضا کرده باشد ولی یک عالم روحانی دینی امضا نکرده است.

حجت الاسلام ربانی گلپایگانی، وظیفه

حجت الاسلام مجید بگی:

برگزاری آیین‌های مسیحیت در کلیساهای خانگی کشور رو به افزایش است

آنکه افراد به طرف مسیحیت تمایل پیدا کردند؛ جلسات هفتگی خانگی خود را در خانه‌ها برگزار کرده و در آنجا برخی آیین‌های کلیسایی که قابل شرح و بسط است را برگزار می‌کنند.

حجت الاسلام بگی در پایان تصریح کرد: وظیفه روحانیت است که افراد را نسبت به اسلام آگاه کند، وقتی نسبت به دین آگاهی پیدا کرده و عالم شده می‌دانیم دشمن نسبت به کدام موضع دین حساس شده و آن مسائل را تقویت کرده تا افراد بیگانه نتوانند نفوذ کنند.

استان‌ها مانند اصفهان، شمال کشور و تهران که زمینه برای پذیرش بیشتر بوده است تلاش‌های بیشتر صورت گرفت.

بگی اضافه می‌کند: مسیحیان با تبشیر بعضی از افراد را تحت تأثیر مسیحیت قرار داده و بعدها همین افراد به تبلیغ دین مسیحیت پرداخته و به این طریق مسلمان‌زاده‌های مسیحی شده، به تبشیر دین مسیحیت در بین مسلمانان می‌پردازد.

وی گفت: این افراد در بعضی از مفاهیم اسلامی شبهه ایجاد کرده و به این طریق افراد سست ایمان را جذب مسیحیت می‌کنند؛ بعد از

تأکید کرده و کاربرد واژه تبشیر آنچنان برایشان مهم است که نام چهار کتاب اول عهد جدید را آنجیل نام‌گذاری کرده که به معنای بشارت و مژده است. این پژوهشگر دینی گفت: در زمان ایلخانیان، نخستین مسیحیان برای تبشیر به ایران آمده بودند و از راهبه‌های دومینیکن و فرانسیسکن بودند و این حضور در زمان‌های مختلف در ایران ادامه داشته است.

وی ادامه داد: بعد از انقلاب اسلامی به خصوص در چند سال اخیر، تلاش‌های مسیحیان به نحو خاص شکل گرفت؛ مخصوصاً در بعضی از

یک پژوهشگر ادیان گفت: مسیحیان با ایجاد شبهه در بعضی از مفاهیم دینی افراد را جذب مسیحیت کرده و سپس به وسیله همین مسلمان‌زاده‌های مسیحی شده به تبلیغ مسیحیت می‌پردازند.

حجت الاسلام مجید بگی، پژوهشگر ادیان اظهار داشت: دین‌هایی که ادعای جهانی بودن دارند؛ قائل به رساندن پیام دین مربوطه به همه جهانیان هستند و در مسیحیت تبلیغ به تبشیر و تبلیغ اسلام به دعوت معروف است. وی افزود: مسیحیان در استفاده از واژه "تبشیر"

حوزه علمیه؛ از کوفه تا قم

دکتر علی اکبر ولایتی

قسمت اول

در مکتب ادبی و نحوی بصره و مکتب ادبی و نحوی کوفه انکار نکرده‌اند. مکتب بصره در نثر بدون رقیب بود و جاحظ را می‌توان از مکتب بصره مثال آورد و نیز ایرانی‌ها سهم عظیم و نقش حساس و مؤثری در تأسیس و پیشرفت این دو مکتب داشتند. دیگر از برجستگان استادان تدریس حوزه بصره شیخ عیسی (۱۴۹ ق) فرزند عمر ثقفی از ائمه نحو و لغت و علوم قرآن کریم به تدریس می‌پرداخت از مؤلفات او کتاب اکمال و کتاب جامع بود که آوازه بلندی داشت.

حوزه شیعی بغداد

حوزه شیعی بغداد بخشی از جنبش و تکاپوی بزرگ کلامی و فقهی حوزه‌های شیعه را به خود اختصاص داده است و شاید از مدارس قدیم کلامی شیعه به معنای حقیقی کلمه باشد. این حوزه دوران فعالیت خود را از عصر حضرت امام جواد (ع) (۲۲۰ - ۱۹۵ ق) آغاز کرده و متکلمان و فقیهان نامی و چهره‌های برجسته‌ای در آن پرورش یافتند. تشیع در بغداد ریشه‌ای کهن دارد و به عصر سلمان فارسی (۳۶ ق) و نقش وی در تأسیس حوزه مدائن باز می‌گردد. ابواسحاق ابراهیم، منجم شیعی، نخستین شخصی است که در ۱۴۵ ق، موقعیت مناسب را برای آغاز بنای شهر بغداد به منصور اعلام داشت (بهار صالحی، ۱۳۷۳، ص ۲۷-۲۶)؛ لذا شیعیان در نهضت فرهنگی بغداد از سال‌های اول بنای بغداد نقش حساس و مهمی داشتند و یکی از مراکز نفوذ و تجمع شیعیان از بدو فتح عراق به حساب می‌آمد. برخورد خلفای عباسی با تشیع در بغداد متفاوت بود و هرگاه شیعیان در بغداد دارای آزادی عمل بودند، این شهر رونق فرهنگی می‌یافت و هنگامی که درصدد آزار و کشتار آنان برمی‌آمدند، رو به انحطاط می‌نهاد. پس از تسخیر بغداد در جمادی‌الاولی سال ۳۳۴ ق به دست معزالدوله احمد بویه در عصر خلافت المظیع لله عباسی و به قدرت رسیدن شیعیان، آزادی‌های مردم بازگشت و حلقات درس و بحث فلسفه، کلام، عرفان، طب، نجوم، ریاضیات و سایر ابواب علم رونق گرفت. عصر آل بویه در بغداد از درخشان‌ترین اعصار تمدن اسلامی گردید.

بعضی از مشهورترین زعمای حوزه بغداد عبارت‌اند از تقه الاسلام شیخ ابوجعفر محمد (۳۲۹ ق)، فرزند یعقوب کلینی، صاحب کتاب گرانقدر کافی؛ وی ریاست فقه‌های شیعه را در عصر مقتدر بالله، خلیفه عباسی، به دست گرفت و اصناف و علما از دور و نزدیک به مدرسه او پیوستند. شیخ المشایخ ابوعبدالله محمد (۴۱۳ ق) معروف به شیخ مفید از اعظم متکلمان و فقه‌های امامیه که صدها شاگرد در حوزه او کسب دانش می‌کردند و علم‌الهدی شریف مرتضی (۴۳۶ ق) از متکلمان و علمای بلند آوازه شیعه کرسی تدریس در بغداد منحصر به او گردید؛ شیخ ابوجعفر محمد طوسی (۴۶۰ ق) معروف به شیخ الطائفه، در ۴۰۸ ق از خراسان وارد بغداد گردید و به حوزه درس شیخ مفید و سید مرتضی پیوست. خلیفه عباسی القائم بامر الله کرسی تدریس علم کلام را در حوزه بغداد به او تفویض نمود و طلاب علوم دینی از هر سوی به حوزه وی پیوستند و شاگردانش بیش از ۳۰۰ تن بودند. شیخ آقا بزرگ طهرانی در شرح زندگانی شیخ طوسی ۳۶ تن از برترین شاگردان او را نام برده است.

با تصرف بغداد به دست طغرل بیک سلجوقی (۴۴۷ ق)، حوزه بزرگ شیعی بغداد نیز متلاشی شد و سوزاندن کتابخانه‌های امامیه و شیعه کشی به راه افتاد. از جمله آثار شیعی کتابخانه شریف مرتضی که ۸۰ هزار کتاب نفیس منحصر به فرد را در خود جای داده بود و کتابخانه ابونصر شاپور بن اردشیر، وزیر بهاء‌الدوله دیلمی که در ۳۸۱ ق در محله شیعه نشین

و حدود ۱۰۰۰ تن از علما و محدثین عامه و خاصه را تا طبقه نهم تابعین نام برده است که این رقم حدود و وسعت این حوزه را در آن عصر آشکار می‌کند. در عصر حضرت صادق (ع) حوزه شیعه مسجد اعظم کوفه به اوج شکوفایی خود رسید و طلاب علوم دینی و راویان حدیث از سراسر بلاد اسلامی به سوی کوفه روان بودند و نیز حضرت صادق (ع) شاگردان خود را به سوی این مدرسه هدایت می‌کردند و پس از حوزه مدینه منوره، مسجد اعظم کوفه بزرگ‌ترین مدرّس شیعی را تشکیل می‌داد. ابوالعباس نجاشی به سند خویش از حسن بن علی بن زیاد الوشار نقل می‌کند که من برای استماع حدیث وارد کوفه شدم و در مسجد اعظم کوفه نهصد شیخ از شیوخ حدیث را درک کردم. هر یک از آنها می‌گفت: حدیث کرد مرا جعفر بن محمد (ع) (نجاشی، ج ۱، ص ۱۳۹).

حوزه بصره

یکی از حوزه‌های قدیمی شیعه در تاریخ آموزش امامیه، حوزه بصره است. این مرکز مهم فرهنگی در قرن اول هجری پس از جنگ جمل در ۳۶ ق و همزمان با مدرسه کوفه تأسیس گردید. پس از پیروزی امیرالمؤمنین علی (ع) در جنگ جمل، امام (ع)، ابن عباس را والی و ابوالاسود دؤلی را به سمت قاضی بصره تعیین نمود و حوزه شیعی بصره به دست توانای این دو مرد علم و فضل تأسیس گردید. ابن عباس پسر عم رسول‌الله (ص) و محدث و مفسر و فقیه و مورخ صدر اسلام بوده است. روایت شده است که رسول‌الله (ص) درباره وی دعا فرمودند: «اللهم فقهه فی الدین و علمه التأویل» و دعای پیغمبر (ص) مستجاب گردید (شهیدی صالحی، ۱۳۶۶، ص ۳۴۴). ابن عباس همه روزه در مسجد جامع بصره به تدریس قرآن کریم و فقه و احکام دین می‌پرداخت و این حوزه در آن روزگار از مدارس بلندآوازه شیعه در عراق بود. او هنگامی که خدمت امیرالمؤمنین در جنگ‌های صفین و نهروان شرکت می‌نمود، ابوالاسود دؤلی را وکیل خود در بصره تعیین می‌کرد. ابن عباس دارای دانشی بسیار در تفسیر قرآن و احکام دین بود و منطقی قوی و زبانی فصیح و زهد و تقوا زیاد داشت، لذا مورد احترام خاص و عام صحابه و تابعین بود. بعد از شهادت امیرالمؤمنین علی (ع) (۴۰ ق)، ابن عباس در خدمت امام حسن مجتبی (ع) بود و در مجلس صلح آن حضرت با معاویه شرکت داشت، سپس مکه مکرمه را مسکن خویش قرار داد و حوزه مسجدالحرام منحصرأ به او منتهی گردید.

چنان‌که اشاره شد، ابوالاسود دؤلی از بزرگان محدثان تابعین و از شاگردان امیرالمؤمنین علی (ع) نیز مانند ابن عباس به تدریس در حوزه بصره مبادرت می‌ورزید و علوم عربی و ادبی و لغت را در آن شهر بنیاد نهاد. او به راهنمایی حضرت علی (ع) واضع علم نحو بود و نخستین کسی است که قرآن کریم را نقطه‌گذاری کرده و آن را از تغییر و قرائت نادرست مصون نگاه داشت (حائری، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۷۹، ۴۷۲). وی علوم عربی و فنون ادب و تفسیر و تأویل و نحو را از علی (ع) اخذ کرد و در حوزه بصره تدریس می‌نمود. شاگردان بسیاری تربیت کرد که هر یکی از دیگری علم نحو را به ارث برده‌اند: مانند نصر بن عبّنه الفیل، ابوداود عبدالرحمن، عبدالله بن ابواسحق، نصر بن عاصم، ابوعمر و بن العلاء، یحیی بن یعمر لیثی، ابوالخطاب اخفش، یونس بن حبیب، سبویه و خلیل بن احمد.

مدرسه شیعی بصره جنبش فکری و میراث عظیمی را از خود به یادگار گذاشته است و چند قرن مهد تربیت و خاستگاه عالمان دینی بود و مورخان، حتی مخالفان شیعه، هرگز نقش تشیع را

تاریخ حوزه به قدمت تاریخ اسلام است، اولین حوزه در منزل حضرت خدیجه کبری (س)، ۲ نفر شاگرد داشت. امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام و همسر گرامی پیامبر اکرم و یک استاد و آن هم کسی جز پیامبر اکرم (ص) نبود. در ایام غربت اسلام، حوزه‌های علمی و ترویجی این دین به‌طور مخفی و در شرایط سخت گسترش و ادامه یافت. حتی در تبعیدگاه شعب ابی طالب برقرار بود، هجرت به یثرب این نهاد آموزشی - اعتقادی را آشکار و گسترده کرد و تعمیق بخشید و برای اولین بار در تاریخ ادیان محل عبادت، مکانی برای تعلیم و تعلم شد و مسجد، مدرسه شد و مدرسه محل عبادت.

قدغن کردن نقل و کتابت حدیث بعد از رحلت رسول اکرم (ص) توسط حکومت وقت، محدودیت موقتی در جنبه مدرسی مسجد ایجاد کرد، ولی امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و حضرت زهرا سلام‌الله علیها در دوره کوتاه عمر شریفشان بعد از رحلت رسول اکرم (ص)، سد موقوفیت نقل حدیث را شکستند و رشته مقدس تدریس و تشریح قرآن کریم و اسلام عزیز را با تکیه بر احادیث و سنت‌های به‌جا مانده از پیامبر اسلام (ص) ادامه دادند. علی‌رغم محدودیت‌های سیاسی، امیر مؤمنان (ع) به کارهای حیاتی خویش در استمرار و سرپا نگهداشتن حوزه علمیه تأسیس شده در عهد پیامبر اکرم (ص) ادامه دادند. شورش ناکثین در بصره، مولای متقیان (ع) را به عراق کشانید و از سال ۳۶ هجری مسجد بزرگ کوفه را در ابعادی گسترده‌تر از مسجدالنبی (ص) تبدیل به بزرگترین حوزه علمیه‌ای کرد که تا آن تاریخ سابقه نداشت.

حوزه کوفه

ایشان همه روزه هنگام فریضه پنجگانه نماز وارد مسجد اعظم کوفه می‌گردیدند و بر مسند تدریس خویش می‌نشستند و به آموزش علوم قرآن کریم و تدریس احکام فقه و حدیث و تربیت اصحاب و شاگردان خود می‌پرداختند و طلاب علوم دینی و عاشقان فضیلت و محدثان از هر سوی، گروه گروه به حوزه امام (ع) می‌پیوستند و از محضر مبارکش بهره‌مند می‌شدند. در آن ایام عظیم‌ترین حوزه‌های آموزش احکام دین در جهان اسلام در مسجد اعظم کوفه برقرار بود و بسیاری از خطبه‌ها و مکاتبات و فرمان‌های امیرالمؤمنین (ع) در همین حوزه ایراد گردید و یا به رشته تحریر درآمده است که قسمت‌هایی از آن را سیدرضی در ۴۰۰ ق از متون کتب با مشرب ادبی و سلیقه بلندپایه خویش در سه بخش الخطب، الکتب، قصارالکلمات گردآوری نموده و آن را نهج‌البلاغه نامگذاری کرده است. این کتاب پس از قرآن کریم یکی از بهترین موارث فرهنگی صدر اسلام است.

شاگردان و اصحاب امیرالمؤمنین علی (ع) را بیش از ۵۰۰ تن یاد کرده‌اند. از تابعین و اصحاب امیرالمؤمنین علی (ع) که نام آنها در حوزه کوفه می‌درخشد و به تدریس فقه و احکام دین در مسجد اعظم کوفه مشغول بودند، عبارت‌اند از ابوشیل علقمه (۶۲ ق) فرزند قیس بن عبدالله، ابوعایشه مسروق (۶۴ ق) فرزند اجدع بن مالک، ابومسلم یا ابوعمر و عبیده (۷۳ ق) فرزند عمرو سلمانی، ابوعمر و یا ابوعبدالرحمن اسود (۷۴ ق) فرزند یزید بن قیس نخعی، ابوعبدالله یا ابومحمد سعید (۹۵ ق) فرزند جبیر، که به دست حجاج بن یوسف ثقفی به شهادت رسید، حکم (۱۱۵ ق) یحیی‌بنه ایرانی تبار، ابواسماعیل حماد (۱۲۰ ق) فرزند ابوسلیمان ایرانی تبار.

حوزه کوفه پس از شهادت امیرالمؤمنین علی (ع) (۴۰ ق) مدتی به وسیله حضرت امام مجتبی (ع) و ابن عباس رونق کافی داشت و پس از آن به دست شاگردان و اصحاب اداره می‌گردید. ابن سعد جلد ششم طبقات الکبری را به ذکر اصحاب رسول‌الله (ص) و تابعین که کوفه را مسکن خویش قرار داده بودند اختصاص داده

کرخ به گونه بیت‌الحکمه مأمون بنا شده بود، با آتش نابود شد (یاقوت حموی، ج ۲، ص ۳۴۲) و همچنین خانه و کتابخانه شیخ طوسی را آتش زدند و کرسی وی که بر روی آن به تدریس کلام می‌پرداخت به میدان بزرگ کرخ آورده و سوزانیده شد (ابن جوزی، ج ۱۶، ص ۱۶). شیخ طوسی ناگزیر مخفیانه به حوزه کربلا و پس از مدتی به نجف اشرف هجرت نمود و مدرسه خود را در نجف تأسیس کرد.

حوزه علمیه نجف اشرف

حوزه علمیه نجف از مدارس قدیم شیعه است که پس از فروپاشی حوزه بغداد و هجرت شیخ طوسی در ابتدا به کربلا سپس به نجف اشرف، به دست توانای وی بنیان نهاده شد.

آنچه مسلم است این است که حوزه نجف اشرف از نیمه دوم قرن پنجم هجری تأسیس گردیده و شیخ طوسی نخستین معلم این دانشگاه بزرگ شیعی بوده و پس از وفات وی (۴۶۰ ق) به دست فرزندش شیخ ابوعلی الحسن طوسی کرسی تدریس و رهبری ادامه یافته و پس از وی (۵۱۵ ق) فرزندش شیخ ابونصر محمد (۵۴۰ ق) و بعد از او نیز این خاندان تا اواخر قرن ششم هجری حوزه را اداره می‌کردند (شهیدی صالحی، آل شیخ طوسی، ص ۱۸۸).

دوران طلایی و عصر شکوفایی حوزه نجف از هنگامی آغاز گردید که وحید بهبهانی به شاگرد خود سید مهدی بحرالعلوم (۱۲۱۲ ق) دستور داد که مکتب اصولی وی را در نجف اشرف بنیان نهد و سید بحرالعلوم زادگاه خود کربلا را به سوی نجف ترک و حوزه نجف اشرف را تجدید حیات داد و به رسالت تاریخی خویش در تربیت صدها عالم و مجتهد و ادیب و شاعر و اصولی و مفسر معتقد به مکتب خاندان عصمت (ع) همت گماشت. از مشهورترین دانشمندان و زعمای علمی حوزه نجف می‌توان چنین یاد کرد: سید جواد عاملی (۱۲۲۶ ق)، صاحب مفتاح الکرامه که شاگردان بسیاری تربیت نموده؛ شیخ جعفر کبیر، صاحب کشف الغطاء از مدرسین بزرگ فقه و اصول و دو فرزندش شیخ موسی (۱۲۴۱ ق) و شیخ علی (۱۲۵۳ ق) که از علمای بنام حوزه نجف بودند.

در آغاز نیمه دوم قرن سیزدهم هجری، حوزه درس شیخ محمد حسن نجفی (۱۲۶۶ ق) معروف به صاحب جواهر بیش از سایر حوزه‌ها در افق نجف درخشیدن گرفت و صدها شاگرد از ملیت‌های مختلف از محضر درسش بهره‌مند می‌گشتند. از مشهورترین شاگردانش که به مقام مرجعیت شیعه رسیدند: شیخ علی خلیلی و برادرش میرزا حسین خلیلی و میرزا حبیب‌الله رشتی و شیخ عبدالحسین تهرانی معروف به شیخ العراقین و شیخ میرزا عبدالوهاب برغانی صالحی و حاج ملاعلی کنی را می‌توان نام برد. پس از وفات صاحب جواهر، حوزه درس شیخ اعظم شیخ مرتضی انصاری (۱۲۸۱ ق) رونق بسیار گرفت. شیخ انصاری که از شاگردان مکتب کربلا بود و اصول خود را از حوزه شریف العلماء حائری اخذ کرده بود، تحول اساسی در فقه شیعی بنیاد نهاد. اصول جدید و نوگرایی در مکتب فقهی او مشاهده می‌گردد که نزد پیشینیان دیده نمی‌شود. صدها شاگرد تربیت یافته شیخ انصاری پس از وی مکتب او را رواج دادند؛ از چهره‌های درخشان دیگر شیخ میرزا حبیب‌الله رشتی (۱۳۱۲ ق) که در ابتدا از شاگردان صاحب جواهر و سپس از حواریین شیخ انصاری بود. پس از وفات استاد اخیرش کرسی تدریس به او منتهی گردید. شیخ آقا بزرگ طهرانی می‌نویسد: «حوزه وی صدها طلبه علوم دینی را در برداشت و اکثر آنان از شیوخ علما و افاضل فقه‌ها و مجتهدین بودند و در آن زمان رقیب و مانند در تدریس نداشت و از تمام حوزه‌ها نافع‌تر بود... (آقا بزرگ طهرانی، نقباء البشر، ج ۱، ص ۳۵۸).

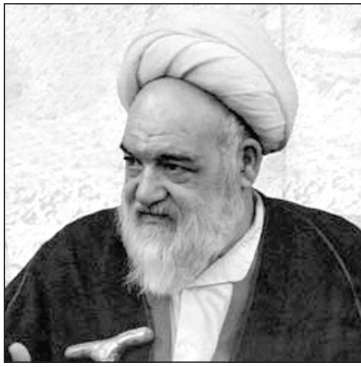
ادامه دارد...

گفتگویی با آیت الله عمید زنجانی در مجله کیهان فرهنگی

یک گرایش های غرب گرا در دانشکده های حقوق ما مشاهده می شود که خودشان دانش آموخته فقه هستند، اما به خاطر این که در آثارشان نوآوری داشته باشند، یک گرایش مرئی، نامرئی به ترجیح حقوق فرانسه دارند. به نظر می رسد که این مسئله باید روزی پایان پیدا کند. من سعی کرده ام در فقه سیاسی مباحث حکومتی و سیاسی فقه را استخراج کنم و به زبان ساده درآورم.

به باور وی، قانون اساسی ما هم می گوید که تنها منبع حقوق در جمهوری اسلامی مبانی فقهی متخذ از کتاب و سنت و تجربیات پیشرفته بشری است و این تجربیات شامل سیستم های حقوقی و نظرات حقوقی غرب هم می شود که عمدتاً مسایل قالب و شکل است که دنیا تجربیات پیشرفته ای در این زمینه دارد و دانشجو باید بتواند از قالب ها جدید، از اشکال جدید حقوقی استفاده کند تا محتوای فقه اسلامی را متناسب با زمان شکل دهد.

آیت الله عمید در پایان ضمن تأکید بر اینکه هر کس می خواهد نظریه ای را با پسوند اسلامی یا اسلامی مطرح کند، باید با مبانی اسلام آشنا باشد. افزود به صرف مطالعه اندیشه سیاسی غرب، نمی شود اندیشه اسلامی را درآورد بلکه باید اندیشه سیاسی اسلام را از قرآن کریم از فرمایشات و احادیث پیامبر (ص) و معصومین (ع) در آوریم و بعد مارک اسلام به آن بنزیم. آنها که سراغ متفکرین غرب می روند و از آنها چیزی اقتباس می کنند و می گیرند خوششان می آید چون مسلمانند. خوشایند خودشان را تطبیق با اسلام می دهند و می گویند: من مسلمانم و از این فکر خوشم آمده، پس این اندیشه اسلامی است و یک مارک اسلام یا اسلامی بودن بر آن می زنند! این کار درست نیست.



ماهانمه کیهان فرهنگی ویژه مهر و آبانماه سال ۸۹ در دوره جدید، منضم به مصاحبه آیت الله دکتر عباسعلی عمید زنجانی چاپ و در دسترس علاقه مندان قرار گرفت.

در این شماره که با روش جدید و تغییراتی گسترده تر در شکل و محتوی نسبت به شماره های گذشته منتشر شده است تلاش شده تا به برخی موضوعات مغفول مانده توجه و اهتمام بیشتر و جدی تر صورت گیرد. آیت الله عمید زنجانی در این گفت و گو انگیزه تغییر روش تدریس اش در دانشگاه از

مبانی و روش های تفسیر قرآن به سمت فقه سیاسی اسلام را ضرورت نیاز دانشجویان اعلام داشته و گفته است: ضرورت های انقلاب باعث شد. اولین زمینه این گرایش تخصصی، مسئله قانون اساسی بود. این قانون به گونه ای تصویب شده بود که جز برای کسانی که با مبانی فقه حکومتی و فقه سیاسی آشنایی داشتند، مفهوم نبود. برای فهم دقیق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، می بایست مروری بر فقه سیاسی و فقه حکومتی می شد، لذا اولین اثر من در این گرایش، کتاب "شرح مبانی فقهی قانون اساسی جمهوری اسلامی" بود.

وی در ادامه می افزاید: در حقیقت مبانی فقهی را من از دسترس عموم خارج می دیدم چون مبانی و منابع فقهی در اختیار کسانی بود که دروس حوزه را دیده بودند و برای کسانی که حوزوی نبودند مبانی فقهی و منابع فقهی ناآشنا بود. من سعی کردم این مبانی و منابع را با زبان دانشگاهی و نه تنها در حد فهم دانشجو، بلکه استادان فن قرار بدهم.

استاد عمید در بخش دیگری از این گفت و گو به نفوذ برخی گرایش غرب گرا اشاره کرده و گفته است: ایران تنها کشوری است که تصریح کرده که قوانین نباید مغایر موازین اسلامی باشد، متأسفانه

رییس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد کتابخانه مجلس:

ضرورت حمایت کمیسیون فرهنگی مجلس از نسخه های خطی

قانونی به حوزه های فرهنگی کمک بیشتری کند. وی یادآور شد: از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز می خواهم در کنار اداره کتاب خود، یک بخش اداری برای آثار خطی ایجاد کند.

نسخه های خطی را حفظ کنند، مالکیت آنها را به رسمیت بشناسیم تا بتوانیم چارچوب هایی ایجاد کنیم که افراد گوناگون در فضایی آزاد نسبی که در اختیار دارند را در بازارهای مشخصی خرید و فروش کنند.

رییس و موسس کتابخانه تاریخ اسلام قم با تأکید بر ضرورت ایجاد بازارچه های نسخ خطی توضیح داد: باید تحت حمایت قوانینی که دولت ایجاد می کند، در نمایشگاه کتاب یا نمایشگاه های دیگر و حتی در کتابخانه های بزرگ، بخش هایی را افتتاح کنیم که افراد و صاحبان نسخه های خطی آثار و کتاب های ارزشمند خود را ارایه دهند و قیمت گذاری کنند تا هر فردی بیشترین قیمت را عنوان کرد، آن اثر را خریداری کند. وی با اشاره به این که نیازمند ایجاد بازار بورسی در این زمینه ایم، ادامه داد: در برخی از کشورها، نسخه های خطی جنبه سرمایه های خانوادگی دارند و افراد حتی برای دریافت وام آنها را در اختیار بانک ها قرار می دهند.

نویسنده کتاب "اطلس شیعه" با بیان این که باید نسخه های خطی ارزش گذاری شوند، اظهار کرد: باید در این مسیر این اطمینان را در میان دارندگان نسخه های خطی ایجاد کنیم تا با حضور در این مراکز و ارزش گذاری آثاری که در اختیار دارند، آنها را به مراکز بپردازند یا امانت دهند.

حجت الاسلام دکتر جعفریان پیشنهاد داد: این طرح ها نیازمند همکاری کمیسیون فرهنگی اند. امیدواریم دکتر حداد عادل این موضوع را جدی بگیرد ما از مجلس انتظار داریم که با تصویب مجموعه ای از لوایح



رییس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد کتابخانه مجلس در حاشیه مراسم رونمایی از مجموعه دوازده جلدی "فهرست وارده دست نوشته های ایران (دنا)" که در کتابخانه مجلس برگزار شد، همراهی کمیسیون فرهنگی و حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را از بخش خصوصی و ایجاد بازار امنی برای ارایه نسخه های خطی خواستار شد.

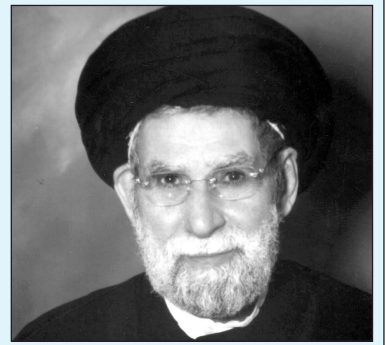
حجت الاسلام رسول جعفریان، با اشاره به این که نشست رونمایی از "دنا" بدون دقایقی اتلاف زمان، به بررسی وضعیت نسخه های خطی و شرایط حمایت از آنها برای جلوگیری از نابودی و انتقال به خارج از کشور اختصاص یافت، از گردهمایی فهرست نگاران نسخه های خطی و فعالان این حوزه به نیکی و در راستای نزدیک تر شدن به اهداف این حوزه یاد کرد.

وی درباره پیشنهادی که دکتر علی لاریجانی، رییس مجلس شورای اسلامی، در این نشست عنوان کرد، گفت: همچنان که وی اشاره کرد، باید قانون حمایتی برای نسخ خطی تصویب شود. دکتر لاریجانی نیز تأکید داشت که بخش خصوصی را فعال کنیم و به آنها اعتماد دهیم و اطمینان کنیم که

کتابخانه عمومی آیت الله حکیم آستان قدس

رضوی شمیران توسعه می یابد

وقف در اسلام سنت نیکو و حسنه ای است که کمتر به سمت کارهای فرهنگی سوق داده شده است. این در حالی است که در این عرصه به دلیل بسترسازی و افزون بر دانش شهروندان و در نهایت رشد عقلی و



فکری آنها، ثمرات و برکات بیشتری را می توان شاهد بود. اینکه کسی کتابخانه بزرگی داشته باشد و آن را وقف کند خیلی مردانگی می خواهد.

اما اینکه خود را نیز به همراه کتابخانه وقف ارتقای سطح دانش کند از خصلت بزرگان است. چهارده سال پیش در همین روزها در شمال شرق شمیران آیت الله سید محمدتقی حکیم استاد حوزه و دانشگاه، منزل مسکونی خویش به علاوه تمامی کتاب های ارزشمند چاپی، سنگی و خطی کتابخانه شخصی خود را وقف ایجاد یک کتابخانه عمومی کرد. با ۳۰۰۰ جلد کتاب که هم اکنون بیش از ۲۱ هزار جلد کتاب چاپی، ۲۸۰ جلد چاپ سنگی، و ۱۳۴ جلد کتاب خطی سرمایه کتابخانه است.

آیت الله حکیم در این باره می گوید: در این محدوده شهری کمبود کتابخانه مجهزی که بتواند جوابگوی طبقات مختلف از جمله محصلان و حتی استادان دانشگاه و طلاب حوزه باشد کاملاً احساس می شد با توجه به شمار زیاد دانش آموزان دختر و پسر پشت کنکوری که نیاز مبرم به محل مناسب و مجهز به انواع کتاب کمک درسی و تخصصی داشتند، به همراه همسر به فکر تأسیس کتابخانه ای با نیت روشن کردن اذهان جوانان برای کسب علم و بالا بردن اطلاعات عمومی افتادیم تا جوانان بتوانند گمشده خویش را در این مکان بیابند. افراد مراجعه کننده به این مکان فقط اهالی منطقه شمیران نیستند، بلکه افرادی هستند که از مناطق دور به این کتابخانه مراجعه می کنند، آیت الله حکیم علاوه بر اینکه کتاب های خود را وقف کتابخانه کرده خود را نیز وقف خدمت به مردم جامعه اش کرده است. وی با حضور در کتابخانه، جوانان را در رفع اشکال راهنمایی و کمک می کند و علاوه بر کلاس آموزش قواعد عربی از پایه جهت دانش آموزان پسر و دختر روزهای شنبه از ساعت ۱۱ تا ۱۲ در محل کتابخانه برقرار است.

شاید کمتر کسی بتواند زمینی که هر متر مربع آن بیش از ۱۰ میلیون تومان ارزش مالی دارد را بدون هیچ چشمداشتی وقف کارهای خیر کند. از طرفی جهت توسعه کتابخانه منزل ۲۶۰ متر مربعی مجاور کتابخانه را خریداری کرده است که هم اکنون، با تخریب آن و الحاق به زمین کتابخانه فعلی مشغول ساختمانی شش طبقه است. زیرا در حال حاضر به جهت محدودیت مکانی در هفته سه روز فرد به خانم ها و سه روز زوج به آقایان از ۸ تا ۲۰ اختصاص داده شده است که انشاءالله پس از آماده شدن ساختمان جدید، کتابخانه می تواند هر روز تمامی دانش آموزان دختر و پسر را بپذیرد. آیت الله حکیم در این باره می گوید: من و همسر قصد داشتیم باقیات و صالحاتی از خود به یادگار بگذاریم و هیچ چیز برایمان لذتبخش تر از کمک به جوانان نیست چرا که هر چه علم و دانش و اطلاعات عمومی انسان بالاتر رود، موجب پیشرفت و سربلندی جامعه می شود.

طبیعتاً کسی نمی تواند منکر مادیات شود زیرا همه ما می خواهیم روز به روز وضع زندگی مان را بهتر کنیم اما همه می دانیم که دنیا محل گذر است و باید به فکر آن دنیا هم باشیم که دستان کوتاه است. چهار سال پس از تأسیس کتابخانه یعنی در مورخ ۲۶ مهر ۱۳۷۹ مطابق با ۱۹ رجب ۱۴۲۱ قمری تمامی شش دانگ خانه (محل کتابخانه و محل سکونت) و تمامی کتب چاپی، سنگی و خطی را آیت الله حکیم وقف آستان قدس رضوی کرد.

آدرس پست الکترونیک کتابخانه:

infosmt-hakim.com

librarysmt-hakim.com

آدرس اینترنت:

http://www.smt-hakim.ir

آدرس: تهران، خیابان شهید دکتر باهنر (نیاوران)، خیابان سرتیپ رضا سعیدی (مهماندوست) پلاک ۶۲ قدیم ۳۵ جدید. تلفن: ۲۲۸۱۳۴۹

مجموعه سایت های مرکز:

سایت مرکز بررسی های اسلامی
www.iscq.ir

سایت استاد خسرو شاهی
www.khosroshahi.org

سایت سید جمال الدین اسدآبادی:
www.mosleheshargh.com

سایت تحلیلی - خبری بعثت
www.besatonline.com

بعثت

نشریه مرکز بررسی های اسلامی
دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:

سید هادی خسرو شاهی

سر دبیر:

سید محمود خسرو شاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهید (صفائی) نبش ممتاز

تلفن: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

چاپ: مینایی

پست الکترونیکی:

Besatonline@gmail.com